

نشریه بیست و
هشتمین جشنواره
بین‌المللی تئاتر فجر

شماره هشتم
۵۱
ت
۹ بهمن ۱۳۸۸

تئاتر

گزارش
اختتامیه بخش تئاتر ایران
بهترین بازیگرها در دست
بهترین بازیگرها

در آینه فجر بیست و هشتم

نام ۳۵ شهر ایران در جشنواره
بین‌المللی تئاتر فجر ثبت شد



اعلام نتایج داوری کانون تئاتر خیابانی در جشن خانه تئاتر

استفاده از سه یا پنج داور نداشتیم.» مسئول کمیته تحقیق و پژوهش این کانون در پایان اظهار داشت: «قرار است در برنامهٔ ورک‌شاپ‌های هفتگی، با حضور اساتید تئاتر و تئاتر خیابانی از جمله امیر دژاکام و شهرام کرمی تحلیل و نقد و بررسی نمایش‌های خیابانی راه‌یافته به فجر را نیز با حضور هنرمندان خیابانی داشته باشیم.» زمانبندی این برنامه پس از جشنواره تئاتر فجر اعلام خواهد شد.

نشریه روزانه، زمان اعلام نتایج این داوری را روز جشن تئاتر خیابانی در اردیبهشت‌ماه سال ۸۹ اعلام کرد و توضیح داد: «ما تمامی آثار بخش‌های خیابانی را دیده‌ایم و در داوری نیز از بین این آثار، برگزیدگان کانون را معرفی خواهیم کرد.» وی با اظهار این نکته که در داوری از سیستم نمره‌دهی استفاده کرده‌اند، گفت: «با بخش‌بندی آثار و استفاده از سیستم نمره‌دهی نیازی به

علیرضا دهقانی، مسئول کمیته تحقیق و پژوهش هیات‌مدیره کانون تئاتر خیابانی خانه تئاتر، از داوری آثار بخش خیابانی توسط این کانون خبر داد.

پری‌ناز آل‌آقا، حامد اویسی، حامد حسین‌زادگان و علیرضا دهقانی به عنوان هیات داوران کانون، نقد و داوری تمامی آثار خیابانی راه‌یافته به جشنواره تئاتر فجر را برعهده داشته‌اند. دهقانی در گفت‌وگو با

ارتباطات و بازاریابی تئاتر ایران

علی‌اکبر عبدالعلی‌زاده



تئاتر ایران سهم ناچیزی از بازار پرمصرف تئاتر جهان دارد؛ سهمی که مطلقاً متناسب با توانمندی خانواده تئاتر کشورمان نیست. این وضعیت را می‌توان حاصل هزار دلیل متنی و فرامتنی تئاتر دانست که نتیجه آن، محرومیت هنرمندان از امکانات خاصه حیات در عصر انفجار اطلاعات است. واقعیت این است که تئاتر ایران پیش از این نیز در حوزه دولتی و خصوصی تلاش جدی برای حضور در بازار مصرف محصولات فرهنگی دنیا نداشته است. بازاری که در آن حرف اول را نه مضمون یا کیفیت اثر هنری، بلکه توانایی استفاده از اصول ارتباطات و بازاریابی می‌زند.

حتی اگر محصولی هرچند ضروری و مورد نیاز بازار مصرف را تولید کنید، مادامی که نتوانید آن را به‌موقع و درست معرفی کنید، هرگز در مرحله عرضه موفق نخواهید بود.

ارتباطات در عرضه محصولات هنری دارای دو کارکرد است؛ اول اینکه حکم بسته‌بندی را دارد و دوم اینکه در اصول بازاریابی حرف اول را می‌زند.

بسته‌بندی آثار نمایشی، فرآیندی است که رسانه‌های جمعی با پرداختن به یک اثر انجام می‌دهند و ویژگی‌های مثبت و گوشه‌های نادیده آن را پیش روی مخاطب می‌گذارند. تئاتر ایران در عرصه بین‌المللی نصیبی از این فرصت ندارد؛ در حالی که گروه‌های معتبر تئاتر در جهان، روش‌ها و ترفندهای مختلفی برای سهم‌گیری از رسانه‌های پرمخاطب و اشغال بیشتر بازار مصرف جهانی دارند؛ روش‌هایی که با توجه اقتصادی و در دنیای معاملات اقتصاد هنر صورت می‌گیرد.

اما بعد دیگر علم ارتباطات، در بازاریابی کاربردی جدی دارد. شناخت مشتری و بازار هدف، اولین گام برای حضور در بازار جهانی هنر است. این شناخت هنگامی حاصل می‌شود که کارشناسی با تجربه بازاریابی جهانی، در کنار گروه تئاتر حاضر باشد. در این صورت گروه می‌داند جهت کسب موفقیت و صد البته درآمد بیشتر، چه زمانی، کدام اثر را برای مخاطب کدام کشور تولید کند، یا اینکه در شکل صرفاً هنری، اثر خلق شده توسط گروه باید چه هنگامی و در کدام کشور عرضه شود تا با استقبال مخاطبان روبرو گردد. در میان چهار اصل بازاریابی یعنی «محصول، قیمت، محل عرضه و نحوه معرفی کالا»، دانش ارتباطات - بویژه در شاخه بازاریابی - بیشترین نقش را در محل و نحوه معرفی کالا عهده‌دار است.

این کلیاتی است از بحثی کلان که در این مجال قابل طرح است؛ حوزه‌ای که در میان هنرمندان تئاتر کشورمان ناشناخته است. شاید دلیل اصلی آن را باید وابستگی اقتصادی تئاتر کشور به بخش دولتی و نبود ساختار خصوصی در تئاتر دانست. زیرا در این وضعیت نه هنرمندان تئاتر و نه مدیریت دولتی احساس نیازی به رونق اقتصاد تئاتر و بازاریابی آن نمی‌کنند، چه رسد به سهم‌خواهی از بازار جهانی. آنچه گذشت کلیاتی بود از بحثی کلان که در این مجال مطرح شد به امید این که موفقیت بازار تئاتر جشنواره فجر همه ما را به صرافت تعمق در این مهم بیندازد.

شانس تماشای آخرین اجرای «گل» برای ۶۰ نفر

نمایش «گل» به کارگردانی یاسر خاسب امروز آخرین اجرای خود در خانه نمایش اداره تئاتر را پشت سر خواهد گذاشت.

این نمایش که در دو اجرای گذشته خود با استقبال تماشاگران مواجه شده، امروز سومین و آخرین اجرای خود را ساعت ۱۸/۳۰ دقیقه خواهد داشت. گفتنی است، نمایش «گل» تنها برای ۶۰ نفر در هر روز اجرا می‌شود. «گل» شب گذشته نیز میزبان جمع زیادی از تماشاگران بود که در میان آنها تعدادی از مهمانان خارجی جشنواره و حسین پاکدل دیده می‌شدند. مسئول روابط عمومی خانه نمایش، درخصوص این اجرا گفت: «استقبال از این نمایش به حدی بود که جمع زیادی از خبرنگاران رسانه‌های مختلف، پشت در مانده و امکان ورود به سالن را پیدا نکردند.»



ادامه معالجه منشی صحنه نمایش «مردان همیشه...» در مشهد دنبال خواهد شد

سرعت به بیمارستان انتقال دادند.» فاطمه سادات حسینی نیز ضمن توضیح درباره این اتفاق گفت: «باید وارد صحنه می‌شدم، با این که سرم گیج می‌خورد و چشم‌هایم سیاهی می‌رفت، سعی کردم همه چیز درست باشد. امروز به من گفتند که بقیه معالجات را باید در مشهد دنبال کنم.» مسئولان برگزاری جشنواره با توجه به احتمال چنین رویدادهایی با شرکت بیمه نوین توافق‌نامه‌هایی را به امضا رسانده‌اند. امیدواریم متولیان بیمه نوین این هنرمند را در مسیر درمانش پشتیبانی کنند.

می‌شود تا از احتمال آسیب‌دیدگی‌های بعدی جلوگیری شود.» او با تشکر از پیگیری‌های مسئولان جشنواره، امور استان‌های مرکز و نشریه روزانه افزود: «این حادثه زمانی پیش آمد که بازیگر باید با شتاب وارد صحنه می‌شد. من در زمان اجرا متوجه هیچ اتفاقی نشدم، چرا که او پس از این سانحه وارد صحنه شد و نقشش را به خوبی ایفا کرد. اما بچه‌هایی که پشت صحنه بودند، متوجه سرگیجه و تهوع خانم فاطمه‌سادات حسینی شدند و با همکاری مسئولان تئاتر شهر، وی را به

فاطمه‌سادات حسینی، بازیگر و منشی صحنه نمایش «مردان همیشه به خانه باز می‌گردند» به کارگردانی عبد... برجسته از مشهد که در جریان اجرا، با برخورد به میله‌های دکور دچار آسیب‌دیدگی شده بود، از بیمارستان مرخص شد. کارگردان این نمایش به خبرنگار ما گفت: «شب گذشته آزمایش‌های لازم و سی تی اسکن سر و گردن این بازیگر انجام شد و خوشبختانه آسیب‌دیدگی شدید نبود. در حال حاضر نیز گردن او بسته شده است و روز شنبه ام آر آی سر و گردن انجام

«لیر شاه» و «دکتر فرانکشتاین» در صدر امتیازهای مردمی



دکتر فرانکشتاین



لیرشاه

که نمایش «گل» روزی یک اجرا داشت، تغییری که در میزان امتیاز این نمایش نسبت به روز گذشته دیده می‌شود متأثر از آرای تماشاگران در روز دوم اجرای این نمایش است. ستاد جمع‌آوری آرای تماشاگران، نتایج آرای روز هفتم را به این شرح اعلام کرد:

«لیرشاه» بار دیگر صدرنشین انتخاب تماشاگران در بخش نمایش‌های ایرانی جشنواره شد. در بخش نمایش‌های خارجی نیز همچنان «فرانکشتاین» بالاترین امتیاز را دارد. گفتنی است شیوه نظرسنجی مردمی براساس دو اجرا در یک روز محاسبه می‌شود، از آن‌جا

امتیاز	کارگردان	نمایش‌های ایرانی
۴/۲۰	آرش دادگر	لیر شاه
۴/۱۵	نیما دهقان	خنکای ختم‌خاطره
۳/۹۸	یاسر خاسب	گل
۳/۵۷	مریم وثوقی	دخترای ننه دریا
۳/۲۸	نسترن آزاد	زیرزمین
امتیاز	کارگردان	نمایش‌های خارجی
۲/۴۴	سالواتوره تراماچره - فابریزیو پوگلیزه	دکتر فرانکشتاین
۲/۱۸	کار گروهی تئاتر نووگورونتا	فانتومیستری
۲/۱۱	جنت سلیم‌اوا	مشدی عباد
۲/۰۹	لوئیز آندره	تقریباً هیچ
۲	یرژی زون	عطر زمان

تئاتر

نشریه بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر

مدیرمسئول: حسین پارسایی
سردبیر: علی‌اکبر عبدالعلی‌زاده
معاون سردبیر: مریم فلاح

دبیر تحریریه و مدیر اجرایی: عباس عبدالعلی‌زاده
مدیر هنری: علی رستگار

تحریریه: زهرا شایانفر، رضا آشفته، احمد محمداسماعیلی، علی شمس، بهاره برهانی، سید محسن حسن‌زاده، احسان هوشیارگر، محمدحسین لوانسانی، سمیرا محمدی و عسل آذرپور
معرفی آثار: رضا آشفته، سید محسن حسن‌زاده

ویراستار: محمد عبدعلی

برگردان به انگلیسی: منور خلج

برگردان به فارسی: حسین شاکری

صفحه آرا: مهدی میرحسینی

عکس: حسن هندی

با همکاری: امیر خلوصی و اکبر ترابی

با همراهی: مسعود پاکدل، محمدرضا سلطانی

عکس روز: رضا معظریان

با همکاری: میلاد پیامی، شکوفه هاشمیان، مهدی حسینی، رؤفبه رستمی، ناصر عرفانیان، مانی لطفی‌زاده، رضا موسوی و احمد نشان

آرشیو عکس: محمد تهرانی

امور انفورماتیک: مهدی عبدالعلی‌زاده

نمونه‌خوانی و تصحیح: ساعد وثوقی با همکاری فریبا ولی‌نژاد، معصومه مهدوی و بهناز ولی‌نژاد

حروف‌نگار: ساناز صالحی، علیرضا حسین‌زاده‌نیاری

ناظر چاپ: محمد علی بهستانی

لیتوگرافی و چاپ: گنجینه هنر

با سپاس از همکاری: جلال تنجنگی، محمد اطیابی و محمدرسل صدیقی

سایت ایران تئاتر: www.theater.ir

سایت بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی فجر: www.fitf.ir

امروز و فردا با جشنواره

جمعه ۸۸/۱۱/۹

«حکایت دختری که خاتون مغربی را دید»، جلال خباز (جشنواره جشنواره‌ها) ۵۰ دقیقه.
تالار شماره یک تماشاخانه ایرانشهر (۲۰:۰۰ / ۱۷:۳۰)، «دست هزار غریب»، مجید واحدی زاده (برگزیدگان مناطق / اردبیل) ۸۰ دقیقه.
تالار شماره دو تماشاخانه ایرانشهر (۲۱:۰۰ / ۱۸:۳۰) «باغ مرگ»، سیامک احصایی (میهمان بین‌الملل و تجربه‌های نو) ۷۰ دقیقه.
تالار فردوسی (۱۸:۳۰) «پرای مولوی»، بهروز غریب‌پور (میهمان بین‌الملل) ۱۱۰ دقیقه.
پارکینگ تالار وحدت (۲۰:۳۰) «عطر زمان»، یرژی زون (مسابقه بین‌الملل / لهستان) ۶۰ دقیقه.
تالار کنفرانس مجموعه تئاتر شهر (۱۵:۰۰) «این همان کلمه است»، سعید شاپوری (نمایشنامه‌خوانی) ۱۲۰ دقیقه.
تالار استاد انتظامی خانه هنرمندان (۱۸:۰۰) «شام آخر»، ندا هنگامی (رادیو تئاتر) ۶۰ دقیقه.
تالار وحدت، طبقه هفتم (۱۰:۰۰ تا ۱۳:۰۰) کارگاه «هنر ویدئو»، مدرس: دنیل کوترو کونستانز فیشبک از آلمان.
خانه هنرمندان، سالن نیلوفر (۹:۰۰ تا ۱۵:۳۰) کارگاه «مدیریت تئاتر»، مدرس: راجر مک‌کن از انگلستان.

تالار وحدت (۱۹:۰۰) «من، یک، هرکسی بخش دوم»، یونگ - هی کیم (مسابقه بین‌الملل / کره جنوبی) ۵۰ دقیقه.
تالار چهارسو (۲۱:۰۰ / ۱۸:۳۰) «سوگ سیاوش»، سیاوش تهمورث (مرور تئاتر تهران در سال ۸۸) ۸۵ دقیقه.
تالار قشقای (۲۰:۰۰ / ۱۷:۰۰) «شرق اینک»، رضا خدادادیگی (چشم‌انداز تئاتر ایران در سال ۸۹ / زاهدان) ۶۰ دقیقه.
تالار سایه (۲۰:۰۰ / ۱۷:۳۰) «نگ‌ها»، تسلاک ملیک گالیستان (میهمان بین‌الملل / ارمنستان) ۳۵ دقیقه.
کارگاه نمایش (۱۹:۰۰ / ۱۶:۰۰) «افسانه زمینی»، زری طالبی (چشم‌انداز تئاتر ایران در سال ۸۹) ۷۰ دقیقه.
تماشاخانه سنگلج (۱۸:۰۰) «روز درازتر از شب»، سلطان عثمانف (تئاتر ملل / تاجیکستان) ۹۰ دقیقه.
تالار مولوی (۱۷:۰۰ / ۱۹:۳۰) «قتل آقای کاف»، جواد روشن (میهمان) ۹۵ دقیقه.
خانه نمایش اداره تئاتر (۱۸:۳۰) «گل»، یاسر خاسب (میهمان بین‌الملل) ۴۵ دقیقه.
تالار هنر (۱۸:۳۰) «سیندرلا در بن‌بست»، امید نیاز (جشنواره جشنواره‌ها / اصفهان) ۵۵ دقیقه.
تماشاخانه مهر حوزه هنری (۱۷:۰۰)

تماشاخانه مهر حوزه هنری (۱۶:۳۰) محمدرضا معجونی
تماشاخانه ایرانشهر (۱۷) سیدبابا حیدری
خانه هنرمندان (۱۹) سید بابا حیدری

تالار وحدت (۱۸:۳۰) ابوالفضل ورمزیار
تالار چهارسو (۲۰:۳۰) حسن سرچاهی
تماشاخانه سنگلج (۱۷:۳۰) ابوالحسن میرزاعلی
تالار مولوی (۱۹) محسن میرزاعلی

شنبه ۸۸/۱۱/۱۰

(۸۸) ۵۰ دقیقه.
تماشاخانه مهر حوزه هنری (۱۷:۰۰) «نمایشی برای جشنواره»، مجتبی رستمی فر (برگزیدگان مناطق / اهواز) ۵۰ دقیقه.
تالار شماره دو تماشاخانه ایرانشهر (۲۱:۰۰ / ۱۸:۳۰) «میز»، کار گروهی تئاتر کاربیدو، (مسابقه بین‌الملل / لهستان) ۵۷ دقیقه.
تالار فردوسی (۱۸:۳۰) «پرای مولوی»، بهروز غریب‌پور (میهمان بین‌الملل) ۱۱۰ دقیقه.
پارکینگ تالار وحدت (۲۰:۳۰) «عطر زمان»، یرژی زون (مسابقه بین‌الملل / لهستان) ۶۰ دقیقه.
تالار کنفرانس مجموعه تئاتر شهر (۱۵:۰۰) «حافظه خفاش»، فریا ثمر (نمایشنامه‌خوانی) ۱۱۰ دقیقه.
تالار استاد انتظامی خانه هنرمندان (۱۸:۰۰) «دانزن»، جواد پیشگر (رادیو تئاتر) ۴۰ دقیقه.
تالار وحدت، طبقه هفتم (۱۰:۰۰ تا ۱۳:۰۰) کارگاه «هنر ویدئو»، مدرس: دنیل کوترو کونستانز فیشبک از آلمان.
خانه هنرمندان، سالن نیلوفر (۹:۰۰ تا ۱۵:۳۰) کارگاه «مدیریت تئاتر»، مدرس: راجر مک‌کن از انگلستان. (این کارگاه تا روز یکشنبه، یازدهم بهمن‌ماه در همان ساعت و مکان برگزار می‌شود.

تالار وحدت (۱۹:۰۰) «من، یک، هرکسی بخش دوم»، یونگ، هی-کیم (مسابقه بین‌الملل / کره جنوبی) ۵۰ دقیقه.
تالار اصلی (۱۹:۰۰) «گالیله»، داریوش فرهنگ (میهمان بین‌الملل) ۱۲۰ دقیقه.
تالار چهارسو (۲۱:۰۰ / ۱۸:۳۰) «عیش و نیستی»، ایرج راد (میهمان) ۸۵ دقیقه.
تالار قشقای (۲۰:۰۰ / ۱۷:۰۰) «داستان یک پلکان»، رضا گوران (چشم‌انداز تئاتر ایران در سال ۸۹ و مسابقه بین‌الملل) ۸۵ دقیقه.
تالار سایه (۲۰:۰۰ / ۱۷:۳۰) «دوازده»، منیژه محامدی (میهمان) ۷۰ دقیقه.
کارگاه نمایش (۱۹:۰۰ / ۱۶:۰۰) «شام آخر»، احمد سلیمانی (تجربه‌های نو / قم) ۸۰ دقیقه.
تماشاخانه سنگلج (۲۰:۳۰ / ۱۸:۰۰) «خدا در آلتونا حرف می‌زند»، مسعود دلخواه (چشم‌انداز تئاتر ایران در سال ۸۹) ۱۲۰ دقیقه.
تالار مولوی (۱۹:۳۰ / ۱۷:۰۰) «شرق غزل»، مهدی مکاری (میهمان) ۹۰ دقیقه.
خانه نمایش اداره تئاتر (۱۸:۳۰) «این عسل شهد گلی خونین است»، محسن رنجیر (جشنواره جشنواره‌ها) ۴۵ دقیقه.
تالار هنر (۱۸:۳۰) «موشه رو کی می‌خوره»، امیر مشهدی‌عباس (مرور تئاتر تهران در سال

تالار مولوی (۱۹) حسن سرچاهی
تماشاخانه مهر حوزه هنری (۱۶:۳۰) سیدبابا حیدری
تماشاخانه ایرانشهر (۲۰:۳۰) محمدرضا معجونی
خانه هنرمندان (۱۹) حسن سرچاهی

تالار وحدت (۱۸:۳۰) مرشد احدی
تالار اصلی (۱۸:۳۰) محسن میرزاعلی
تالار چهارسو (۲۰:۳۰) ابوالفضل ورمزیار
تماشاخانه سنگلج (۱۷:۳۰) محمدرضا معجونی

بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر را باید به دلیل حضور آثاری از ۳۵ شهر کشور و حضور هنرمندانی از اقصی نقاط کشور در بخش‌های صحنه‌ای، خیابانی، تولید متون و پژوهش، یکی از گسترده‌ترین جشنواره‌های بین‌المللی دانست. در جدول اجراها، می‌توان نام ۱۹ شهر را در بخش صحنه‌ای، ۱۵ شهر را در بخش خیابانی و پنج شهر را در بخش پژوهش و تولید متون مشاهده کرد.

امسال در مجموع، ۴۹ نمایش، مقاله و نمایشنامه از هنرمندان شهرستانی در بخش‌های مختلف رقابتی و غیر رقابتی ارائه شده است. از شرق، شهرهای مشهد، شاهرود و دامغان، از جنوب، شهرهای زاهدان، بندرعباس، بندر لنگه، مسجدسلیمان، خارک، ماهشهر، بوشهر، اهواز و خرمشهر، از غرب، شهرهای تکاب، کرمانشاه، دهلران، اردبیل، بوکان، مرند، تبریز، ملایر، میناب، سقز و مریوان از مرکز، شهرهای شیراز، اصفهان، قم و تفرش، از شمال لاهیجان، آستانه اشرفیه، ساری و گرگان و از شهرهای استان تهران نیز شهرری، هشتگرد و کرج در بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر حضور دارند.

در یک نگاه، می‌توان نام شهرهایی از دورترین نقاط کشور را در این فهرست دید که سال‌ها حضورشان در این جشنواره دیده نشده است. از آن میان، جزیره خارک پس از ۲۸ سال و برای اولین بار به جمع شرکت‌کنندگان جشنواره تئاتر فجر پیوسته است.

تئاترترین شهرستان‌های ایران

اگر تعداد آثار شهرستانی راه‌یافته به جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر را معیاری برای سنجش اهمیت تئاتر در شهرهای کشور محسوب کنیم، مشهد با ارائه شش اثر نمایشی، تئاترترین شهر کشور محسوب می‌شود. کارگردانان مشهدی چون رضا صابری، سعید تشکری و حاتمی‌نژاد را باید از اولین کارگردانان فجر به شمار آورد که جوایزشان در دوره‌های متعدد هنوز ذکر محافل تئاتری است. آن‌ها به‌نوعی جریان‌ساز شیوه و روشی خاص در تئاتر کشور نیز بوده‌اند. هر سه آن‌ها در این جشنواره نیز آثاری برای عرضه دارند.

پس از مشهد، شیراز با سه نمایش صحنه‌ای در رتبه دوم قرار دارد و پس از آن، مریوان با سه نمایش خیابانی و اردبیل، بندرعباس، کرمانشاه، اصفهان، شهرری و ملایر با دو اثر نمایشی به عنوان شهرهای پرتئاتر کشور، جایگاهی ویژه برای خود کسب کرده‌اند.

ذکر این فهرست از افراد و شهرها نه به منظور ارائه آمار که تنها برای بزرگداشت خانواده بزرگ تئاتر کشور است که با گذر از مشکلات بی‌شمار، تئاتر فجر را بستری برای تولید آثار ماندگار خویش می‌دانند.



تقدیر از همکاران بخش شهرستان‌ها

بخش شهرستان‌های جشنواره که یک سال تمام با برگزاری جشنواره‌های مختلف کشور مسیری طولانی تا برپایی بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر طی کرد، این روزها نیز پاسخگوی هنرمندانی است که از شهرهای مختلف در جشنواره حضور دارند.

مهدی حاجیان، همایون علی‌آبادی، علی‌عابدی، جلیل رفیعی، لیلی غفاری، فاطمه عزتی‌نژاد و عرفان ناظر.

نشریه روزانه جشنواره، تلاش بی‌وقفه‌تان را خسته نباشید می‌گوید.

گزارشی از کارگاه آموزشی «بازاریابی تئاتر» به سرپرستی راجر مک کن از انگلستان

درس اول؛ شناخت مشتری

راه خوب فروختن درک مشتری است

در ادامه، کارگاه وارد بحث‌های تخصصی شد. در ابتدا، راجر با توضیح این‌که در این‌جا کار ما جنس فروختن است، گفت: «مهم‌ترین مسأله در این کار به رسمیت شناختن نیاز مشتری برای خرید است.»

وی با طرح سؤال از شرکت‌کنندگان درباره خریدن موبایل و تلفن همراهشان افزود: «این‌که ما تصور کنیم موبایل بهتری نسبت به آن‌چه که خریده‌ایم وجود دارد، حس بدی به ما می‌دهد و اولین مقصر را فروشنده می‌دانیم.»

راجر با این مثال، مشخص کرد کسب اطلاعات برای مهیا کردن نیاز مشتری اصل مهمی است که باید همیشه مدنظر داشت.

در ادامه، این هنرمند انگلیسی مراحل را برای خرید خود از بازار تئاتر ایران ذکر کرد. وی پاسخ به چند سؤال را مرحله اول خرید خود دانست: «این گروه کیست، آیا باید به آن‌ها اعتماد داشته باشم و...» راجر عنوان کرد: «فقط بعد از دریافت پاسخی مناسب است که می‌توانم نیازم را به آن‌ها توضیح دهم.»

در این لحظه، با صدایی بلندتر به شرکت‌کنندگان گوشزد کرد. مهم‌ترین مسأله مشتری است، نه گروه خودتان. شما ارائه‌کننده چهره عمومی گروه خودتان هستید و در دو ثانیه اول مشتری از شما برداشتی دارد که تغییر آن بسیار مشکل است.

اصل دیگری که مربی کارگاه بر آن تأکید داشت این بود که ما علاوه بر فروشندگی، می‌توانیم مشاور مشتری نیز باشیم و اینجاست که مشاور از مشتری سؤال کرده و با این کار نظر او را جلب می‌کند.

راجر با ذکر این اصل اساسی که عنان کار در اختیار سؤال‌کننده است، گفت: شما اگر باهوش باشید، می‌توانید با سؤال، جواب مخاطبتان را بدهید.

در ادامه، سرپرست کارگاه با ذکر مثالی به دو گونه سؤال اشاره کرد. در ابتدا، سؤالات بسته که فقط اطلاعاتی را چک می‌کند و جواب آن بله یا نه است و دوم سؤال‌های باز که اطلاعات را جمع می‌کند تا به نتیجه‌ای برسد. راجر سؤالات باز را مناسب کار شرکت‌کنندگان کارگاه دانست و گفت: «با این سؤالات مرحله به مرحله اطلاعاتی را از مشتری می‌گیرید و با آن اطلاعات، بر موانع غلبه می‌کنید.»

وی با ذکر این‌که باید مشکلات مشتری را به رسمیت شناخت، جواب‌های فروشنده را انگیزه‌ای دانست که می‌تواند موانع مشتری را برای خرید رفع کند. در این لحظه سرپرست کارگاه گفته‌های خود را در جمله «راه خوب فروختن، درک مشتری است» خلاصه کرد.

سیدمحسن حسن‌زاده:
«بازاریابی تئاتر» به سرپرستی راجر مک کن با همراهی گوین کایر استراید در تالار وحدت (بازار تئاتر ایران) برگزار شد. در ابتدای این کارگاه که با استقبال چشمگیر غرفه‌داران و گروه‌های تئاتری ایران رو به رو شده بود، مک کن با بازگویی خاطرات و دریافت‌هایی که از سفرهای متعدد، به ایران داشته است، ارتباط صمیمانه‌ای با شرکت‌کنندگان در کارگاه برقرار کرد. او با بیان این‌که اولین بار است بازار تئاتر در ایران برگزار می‌شود، از تجربه اولین حضورش در بازار تئاتر ایران گفت و این‌که غرفه‌داران ایرانی بدون هیچ مقدمه‌ای به او که خسته بود کارت‌های معرفی می‌دادند و او را به غرفه‌های خود دعوت می‌کردند.

به گفته مک کن در این بین تنها یک نفر زنگی کرد و او را به نوشیدن یک قهوه دعوت کرد.
این هنرمند انگلیسی از تجربه حضور موفقش در آن غرفه گفت و این‌که دیدن نمایش آن گروه مورد توجه او قرار گرفته است، به اعتقاد راجر، تفاوت یک بازار تئاتر با مثلاً بازار بزرگ تهران که وی تجربه حضور در آن‌جا را دارد، این است که در بازار تئاتر ابتدا باید با او به عنوان مشتری آشنا شد؛ چیزی که در بازار بزرگ شاید اهمیتی نداشته باشد.

راجر مک کن:
«محصول»
«قیمت»
«محل عرضه» و
«نحوه ترویج کالا»
چهار اصل مهم
برای فروش خوب
یک محصول است



چهار اصل، برای فروش خوب

او در مورد نتیجه گفت‌وگوها، به شرکت‌کنندگان گفت: «وظیفه ما پیدا کردن اشتراکاتمان با مشتری است، به خاطر این‌که ما علاقه‌مند کار مشترک و ایده‌های جدید هستیم. متأسفانه در روزهای بازار تئاتر، کلمه «من» را بسیار بیشتر از کلمه «ما» شنیدیم.»

وی در ادامه حجت را با شرکت‌کنندگان تمام و اعلام کرد: «هیچ‌یک از انگلیسی‌های حضور یافته در بازار تئاتر نماینده جشنواره نبوده و همه به خاطر علاقه به ایران خواهان کار مشترک با ایرانیان هستند.»

سرپرست کارگاه بخش دیگری از برنامه خود را به معرفی و توضیح چهار اصلی که در یک فروش خوب مهم است، اختصاص داد. این چهار اصل به گفته راجر مک کن عبارتند از: محصول، قیمت، محل عرضه و نحوه ترویج کالا.

سرپرست کارگاه با گروه‌بندی پنج نفره شرکت‌کنندگان، از آن‌ها خواست درباره این که مشتری کیست و او آمده تا چه چیزی را بخرد، با هم مشورت کنند. پس از یک فرصت کوتاه، گوین اداره جلسه را به عهده گرفت و در مورد آن چه شرکت‌کنندگان به آن رسیده بودند، گفت‌وگو کرد.

لحن‌های متفاوت برای آدم‌های مختلف

لحن‌های متفاوتی استفاده کنیم. شما باید به این نکته نیز دقت کنید که افرادی که به غرفه شما می‌آیند، به زبان دیگری از شما و یا درباره شما اطلاعات کسب می‌کنند.»

با نحوه تعامل با آدم‌های مختلف فراخواند. وی پس از تمرین، درباره نتایج آن با شرکت‌کنندگان گفت‌وگو کرد و در پایان گفت: «نیاز داریم در مواجهه با آدم‌های مختلف از

در این بخش، سرپرست کارگاه با این توضیح که به عنوان اولین بازدیدکننده به سراغ کسانی رفته است که برای او ایمیل زده‌اند، شرکت‌کنندگان را به انجام یک تمرین عملی در ارتباط

راه موفقیت بازاریابی آسانسوری

را به چالش کشید و در این ارتباط گفت: «باید دلایل باورکردنی برای خود داشته باشید تا صادقانه به حقیقت خواسته‌هایتان برسید. در ادامه برنامه این کارگاه با پرسش و پاسخ به صورت شخصی پایان یافت.»

همه گروه‌هایی که تا به حال از گروه‌های دیگر دیده‌ایم، متفاوت می‌کنند.»
در پایان کارگاه آموزشی بازاریابی تئاتر، راجر مک کن با طرح این سؤال که برای چه می‌خواهید بین‌المللی شوید، شرکت‌کنندگان

در یک فرصت ۳۰ ثانیه‌ای با مشتری خود در یک آسانسور هستید و در این فاصله قرار است مطالبتان را به او ارائه دهید. مهم این است که آن چیزی که شما می‌گویید، منحصر به فرد باشد و به این فکر کنید چه چیزی شما را از

گوین در ادامه این کارگاه آموزشی سررشته سخن را به دست گرفت و گفت: «باید به سرعت مخاطب را به اطلاعاتی که می‌خواهد، برسانید.»
وی با ذکر یک راهکار افزود: «در نظر بگیرید



حسین رازی
نشانه صبر
استقامت و
ایستادگی است.
همیشه لبخند
بر لب سعی دارد
گره‌گشا باشد و
باریگر

بعضی وقت‌ها آدم با مسائل و اتفاق‌هایی روبه‌رو می‌شود که اصلاً عمدی در آن نبوده است و وقتی یکی درباره آن توضیح می‌دهد، تازه متوجه می‌شویم که آن اتفاق چه بوده است. یکی از این اتفاق‌های عجیب، نام «حسین» است که به تعدادی از همکاران نام‌آشنای تئاتر کشورمان تعلق دارد. اولین فرد، حسین سلیمی، ریاست اسبق مرکز هنرهای نمایشی و سپس حسین پاکدل، مدیر اسبق مجموعه تئاتر شهر و دیگری چهره دوست‌داشتنی و همیشه متبسم تئاتر کشور یعنی حسین مسافراستانه و سپس مدیرکل کنونی اداره کل هنرهای نمایشی یعنی حسین پارسایی است. به این جمع حسینی، باید یک حسین دیگر نیز افزود و آن حسین رازی است که هم‌اکنون مدیرعامل انجمن هنرهای نمایشی ایران است و پیش از این در انجمن نمایش باریگر هنرمندان بوده است.

حسین رازی نشانه صبر و استقامت و ایستادگی است. سال‌های دور، آن هنگام که در حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی مشغول به کار بود، نیمی از فعالیت‌هایش معطوف به تئاتر شهرستان می‌شد و این همراه بود با فعالیت هنری او در کسوت بازیگر در حوزه سینما و تئاتر. نمی‌توانم آن ایام را فراموش کنم. همان ایام، وی به همراه مرحوم قدرت... پدیدار نقش دو پیرمرد را در نمایش «خداحافظ» در تالار قشقایی بازی می‌کردند. جالب است بدانید تالار قشقایی تاکنون چهار شکل متفاوت را به خود دیده است که حسین - منظورم حسین رازی است! - در نخستین شکل این تالار بازی کرده است. این روزها وقتی به تالار قشقایی می‌روم، یادسال‌های دور و یاد حسین رازی در دل‌م موج می‌زند. نمی‌دانم چرا!

حسین رازی مثال‌زدنی است. به گمانم در قیاس با دیگر حسین‌های برشمرده، حسینی‌تر است؛ منظورم سیره حسینی اوست. همیشه لبخند بر لب، سعی دارد گره‌گشا باشد و باریگر. یک روز او را در تنهایی و در میان کاغذهای انبوهش دیدم. مدام بر حساب و کتابش می‌تاخت و دوباره و سه باره و ... به او گفتم: «حاج حسین آقا! چند بار حساب می‌کنی؟» گفت: «باید آن را محاسبه کرد، پیش از آن که دیگران به حساب برسند! باید از قهر و غضب الهی هراسید.» این را گفت و اشتباه نکرده باشم، حدود چهار ساعتی به محاسبه خویش پرداخت.

من همیشه از او دو تصویر بزرگ دارم: ۱- مردی از خودگذشته که در اقصی نقاط ایران در شهرستان‌ها ذوب شده است و اکثر هنرمندان شهرستانی او را می‌شناسند؛ زیرا بارها او را در شهرهایشان ملاقات کرده‌اند. ۲- مردی که نگاهی برابر دارد، نه نگاهی از بالا به پایین! دلش صاف است و اهورایی. اگر او را به یک جسم تشبیه کنم، بهترین مثالش تندیس یک لبخند است.

این روزها کم‌تر او را در فضای پرتلاطم جشنواره و تالارها می‌بینم؛ چون به دنبال حمایت‌های مالی و فراهم کردن آن است. هر که او را دید، لبخند را فراموش نکند، زیرا او یک بار مرا به این عمل پند داد. خدا قوت حسین جان!

مهرداد رایانی مخصوص:

مگر ما چند تا «حسین» داریم؟!



محمد رسول صادقی مدیر کمیته روابط عمومی و تبلیغات جشنواره:

برای گوشه‌نشینان دلم

یکم

من از اهل رسانه‌ام؛ با این حال خیلی اهل گفت‌وگوهای رسانه‌ای نیستم. اگر هم گاه دم به تله می‌دهم، یقین بدانید چرخ ما در چاله «حیا» گیر افتاده است؛ مثل همین چاله که مشاهده می‌کنید!

دوم

جشنواره‌ای برگزار شد؛ خوب یا بدش بماند تا دیگران قضاوت کنند، یقین، من و همکارانم با تلاشی شبانه‌روزی، قصدمان خدمت بود. پس، ای ارباب رجوع و ای همکاران عزیز در رسانه‌های جمعی، کاستی‌ها را بر من ببخشید و باور کنید که همه توش و توان خود را به کار بستیم تا شما خوش باشید. اما گاه مگر این روزگار می‌گذارد...؟!!

سوم

در آوردگاه بیست و هشتم تئاتر فجر، بی‌شک اگر یاری همکارانم در روابط عمومی‌های مرکز هنرهای نمایشی، مجموعه تئاتر شهر، تالار وحدت، تالار فردوسی، تالار مولوی، تماشاخانه مهر حوزه هنری، تماشاخانه ایرانشهر، تماشاخانه سنگلج، خانه نمایش اداره برنامه‌های تئاتر، خانه هنرمندان ایران و معاونت امور هنری نبود، سبزی‌های جشنواره به چشم نمی‌آمد. حالا اگر نکاتیوی هم بود به حساب من بنویسید.

چهارم

اینجانب در کمیته روابط عمومی و تبلیغات جشنواره، همکاران دیگری هم داشتم که همراهی‌شان البته شایسته تقدیر است؛ پرسنل سایت ایران تئاتر، اعضای سایت جشنواره، گروه تبلیغات محیطی، گروه عکس، گروه تصویربرداری، گروه مولتی‌مدیا و تیزر، اعضای کاتالوگ و آفتاب‌نشینان نشریه روزانه جشنواره. دست یکی یکی‌شان درد نکند.

پنجم

در پایان قدردان و منت‌دار اهل رسانه اعم از مکتوب، مجازی، صوتی و تصویری‌ام که بی‌حضور ایشان، این جشنواره گرم نمی‌شد و به بار نمی‌نشست.

سیدصادق موسوی، مدیر تالار هنر و مسئول دفتر توسعه نمایش کودک

جشنواره تئاتر فجر از بازسازی تالار هنر بهره‌مند شد

در جشنواره بیست و هشتم فجر، حضور نمایش‌های کودک و نوجوان بسیار چشمگیر است. علاوه بر تالار هنر که به صورت اختصاصی به این گونه نمایش‌ها می‌پردازد، در سالن‌های دیگر جشنواره نیز نمایش‌های کودک و نوجوان اجرا می‌شود. سیدصادق موسوی، مدیر تالار هنر و مسئول دفتر توسعه نمایش کودک معتقد است جشنواره فجر بهترین فرصت برای دیده شدن نمایش‌های کودک و نوجوان است. در گفت‌وگو با سیدصادق موسوی که در این دوره ریاست شورای عالی انتخاب رانیز عهده‌دار بوده است، در خصوص اجراهای جشنواره‌های تالار هنر و همچنین امکانات این تالار در میزبانی از تماشاگران جشنواره صحبت کرده‌ایم.



افزایش فضای لابی تالار که در دوره بازسازی انجام شد، امروز این امکان را به ما می‌دهد تا برای تماشاگران کودک جشنواره هر روز قبل از اجرای نمایش‌ها، برنامه پرده‌خوانی و شبیه‌خوانی داشته باشیم

که خوشبختانه تا به امروز استقبال بسیار خوبی از آن شده است و توانسته در میان کودکان جای خود را باز کند.

تالار هنر پس از پشت سر گذاشتن دوره بازسازی، امروز با امکانات بهتری در اختیار جشنواره قرار گرفته است. در این زمینه، برایمان صحبت می‌کنید؟

بله، همان‌طور که آگاه هستید تالار هنر پس از یک دوره تعمیرات اساسی با نمایش «شکار بزرگ شنبه» اردیبهشت‌ماه افتتاح شد. از آن به بعد، ما با امکانات کامل‌تری در اختیار گروه‌های نمایشی بودیم. از این جهت امکانات فنی تالار رشد کمی و کیفی داشته و در بحث خدمت‌دهی فنی تقریباً به روز شده است. همچنین تعداد اتاق‌های گرم نیز افزایش یافته است. این روزها با توجه به شرایط ویژه جشنواره تمام این امکانات به کار می‌آید. باز شدن فضای لابی به ما این امکان را داد تا در این دوره جشنواره برنامه پرده‌خوانی و شبیه‌خوانی را هر روز برای کودکان داشته باشیم. این برنامه نیم ساعت قبل از شروع اجرای نمایش‌های جشنواره در لابی تالار هنر برگزار می‌شود.

آیا این پرده‌خوانی مربوط به داستان‌های انقلاب اسلامی است، همانند آن‌چه که در لابی تالارهای دیگر هم برگزار می‌شود؟

امسال، در جشنواره فجر توجه ویژه‌ای به نمایش‌های کودک و نوجوان شده است. آیا در این دوره از جشنواره سیاست خاصی در جهت حمایت از نمایش‌های کودک و نوجوان وجود دارد؟

تلاش ما این بوده که علاوه بر جشنواره تخصصی تئاتر کودک و نوجوان در اصفهان، از فرصت جشنواره فجر نیز استفاده کنیم، در هر صورت، جشنواره فجر یک اتفاق بزرگ هنری است که می‌تواند فرصت دیده شدن آثار مختلف را فراهم کند. در جشنواره امسال، تلاش کردیم از برخی نمایش‌های موفق کودک و نوجوان هم حمایت کنیم؛ نمایش‌هایی مثل «هملت شاهزاده کوچک دانمارک» به کارگردانی رضا بابک و نمایش «پروانه‌ها» به نویسندگی و کارگردانی فرانچسکو گاندی و داوید ونتورینی از ایتالیا. البته این دو نمایش از جمله آثاری‌اند که در سالنی غیر از تالار هنر روی صحنه رفته‌اند. در عین حال، همانند گذشته تالار هنر را به نمایش‌های کودک و نوجوان اختصاص دادیم تا این سیاست همچنان ادامه پیدا کند. تالار هنر امروز تماشاگران مختص خود را دارد و این موضوع در ایام جشنواره هم دیده می‌شود. نکته دیگر این که در فضای باز تئاتر شهر نیز ایستگاه نمایش «کودک، تئاتر، صلح» را دایر کرده‌ایم

همایون امیرزاده، مدیر کل ارشاد اسلامی استان هرمزگان:

فضاهای نمایشی استان دوبرابر شده است

در بیست و هشتمین جشنواره تئاتر فجر، استان هرمزگان با چهار نماینده حضور دارد. به زعم مدیر کل ارشاد استان هرمزگان، این حضور نشان از تحولی شگرف در عرصه تئاتر این استان دارد. به گفته همایون امیرزاده، با تدوین سند توسعه فرهنگی استان، افق فعالیت در حوزه تئاتر برایشان مشخص شد. این که در کجا قرار دارند و ظرف پنج سال آینده باید به چه جایگاهی برسند. تنگناها، توانمندی‌ها، ارائه راهبردهای عملیاتی برای محقق شدن افق‌ها نیز برایشان تبیین شده است.

ابتدا در مورد وضعیت تئاتر در استان هرمزگان برایمان بگویید.

امسال در یک اتفاق کم‌نظیر، استان هرمزگان توانست جایگاه واقعی خود را در تئاتر کشور به دست بیاورد. قبل از حضور در جشنواره بیست و هشتم تئاتر فجر، آخرین حضور این استان به ۱۴ سال قبل مربوط می‌شد. این نشان می‌دهد هرگاه فضا و بستر مناسبی برای هنرمندان فعال و جوان فراهم نشود، آن‌ها با شایستگی از این فضا بهره‌برداری می‌کنند. در جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، این استان در گونه‌های مختلف تئاتری نمایندگان دارد.

امسال، با چهار نماینده در جشنواره تئاتر حضور موثری را تجربه می‌کنید.

بله، در بخش تئاتر خیابانی، یک گروه تئاتری از شهرستان میناب و در بخش تئاتر بین‌المللی نیز یک گروه تئاتری از شهر بندرعباس حضور دارند، در بخش جشنواره جشنواره‌ها و بخش مرور نیز آثاری از هرمزگان به جشنواره راه پیدا کردند. از بندر لنگه نیز در جشنواره نماینده داریم.

وضعیت تئاتر کودک استان هرمزگان به چه نحوی دنبال می‌شود؟

برگزاری جشنواره تئاتر کودک و

نوجوان در هرمزگان به یکی از درهای ورود به جشنواره تئاتر فجر تبدیل شده است. برگزیده جشنواره تئاتر کودک و نوجوان هرمزگان در جشنواره تئاتر فجر حضور خواهد داشت. طبیعتاً این سیاستگذاری باعث شده جشنواره هرمزگان یکی از راه‌های حضور در جشنواره فجر باشد.

در برنامه‌های استان، ایجاد سالن‌های نمایش چگونه تعریف شده است؟

سال ۸۳ کل فضاهای فرهنگی استان ۱۷ هزار مترمربع بود، در حال حاضر، به لطف خداوند و انجام طرح‌های عمرانی ۴۲ هزار مترمربع فضای فرهنگی در استان وجود دارد. بنابراین، در این پنج، شش سال شاهد توسعه دو برابری فضاهای نمایشی بوده‌ایم. طبق برنامه‌ریزی‌ها تا دو سال آینده این فضاها به ۵۲ هزار مترمربع افزایش می‌یابد و تا پایان برنامه پنجم توسعه به ۹۵ هزار مترمربع خواهد رسید. این اتفاق بزرگی است. برای تحقق این اهداف، مصوبه‌هایی در نظر گرفته شده است. این مصوبه‌ها در سفر دوم هیأت دولت مورد تصویب قرار گرفته است که بخشی از آن در دست اجرا و بقیه در حال پیگیری است. در سفر قریب‌الوقوع هیأت دولت به استان هرمزگان، موضوعات کلیدی در عرصه



سال ۸۳ فضاهای فرهنگی استان هرمزگان ۱۷ هزار مترمربع بود، در حال حاضر این فضا به ۴۲ هزار مترمربع رسیده و طبق برنامه‌ریزی‌ها طی دو سال آینده به ۵۲ هزار مترمربع افزایش می‌یابد

برنامه‌های پرده‌خوانی و شبیه‌خوانی ما راجع به قصه‌های عاشورایی است. البته مستقیم به حوادث روز عاشورا نمی‌پردازند بلکه داستان‌ها و وقایع دوران کودکی امام حسین (ع) را سوژه قرار داده‌اند. در واقع، داستان‌های زندگی معصومان با زبانی کودکانه و با در نظر گرفتن مخاطب کودک در این برنامه‌های پرده‌خوانی بازگو می‌شود. این اتفاق برای اولین بار است که در طول برگزاری جشنواره صورت می‌گیرد. فکر می‌کنید مخاطب‌هایی که در ایام جشنواره به تالار هنر می‌آید، در طول سال هم راضی به دیدن نمایش‌ها در این تالار خواهد بود؟

مخاطب باید به این سؤال پاسخ بدهد. از نگاه من این موضوع نیاز به مطالعه دارد و نمی‌توان به سرعت به آن پاسخ داد. این اتفاق که ما در جشنواره‌های مختلف تئاتری، بخش کودک و نوجوان داشته باشیم و برگزیدگان آن را در جشنواره فجر و تالار هنر به روی صحنه ببریم، اتفاق مطلوبی است. همان‌طور که مشاهده کردید، در دو روز اول جشنواره، نمایش «کفتر طلا» به نویسندگی و کارگردانی رضا جو شعار در تالار هنر اجرا شد. این اثر، برگزیده جشنواره عروسکی رضوی بود. اگر این سیاست ادامه پیدا کند، برای مراجعه دوباره به تالار هنر تأثیر مثبتی بر ذهن مخاطب خواهد داشت.

هنر مورد توجه قرار خواهد گرفت. راه‌اندازی یک دانشکده هنری که یکی از رشته‌های اصلی آن تئاتر است نیز در دستور کار قرار دارد. اگرچه هنرمندان تئاتر استان ظرفیت‌های خوب و خلاقیت‌های قابل توجهی دارند، ولی اگر فضا برایشان مهیا نشود، نمی‌توانند از تمام توانایی‌های خود بهره‌برند. مؤید توانایی اهالی تئاتر استان، حضور گسترده آنان در جشنواره تئاتر فجر است. اعتقاد دارم با راه‌اندازی ساختار آکادمیک و علمی می‌توانیم این ظرفیت‌ها را سمت‌دهی کنیم و حتی به سایر استان‌های کشور نیز تسری دهیم.

برگزاری جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر به چه میزان باعث ارتقای کیفی تئاتر در شهرستان‌ها می‌شود؟

تئاتر جشنواره فجر، فینالی است برای نشان دادن گونه‌های مختلف تئاتری در کشور. جشنواره می‌تواند انگیزه‌های زیادی در علاقه‌مندان و دست‌اندرکاران تئاتر در سراسر کشور ایجاد کند. جشنواره در حقیقت همه هنرمندان را تشویق و ترغیب به هنرنمایی می‌کند و منتقدان و فعالان این عرصه در طول سال برای حضور در جشنواره تلاش می‌کنند.

تأسیس موزه هنرهای معاصر کردستان را عملی می‌کنیم

منصور ایمانی، مدیر کل ارشاد استان کردستان:



منصور ایمانی، مدیر کل ارشاد استان کردستان، در راستای حمایت از هنرهای نمایشی این استان، برنامه‌های متعددی دارد. ساخت سالن‌های نمایشی و مجتمع‌های فرهنگی، تلاش جهت رونق جشنواره‌های تئاتری استان، حمایت از گروه‌های نمایشی، بسترسازی برای تعامل میان گروه‌های تئاتری استان کردستان و سایر استان‌ها از جمله برنامه‌های

اوست. حضور چهارگروه نمایشی از استان کردستان در جشنواره تئاتر فجر، نمودی از تلاش و همت مدیر کل ارشاد استان کردستان در پیشبرد اهداف مطرح شده است.

اداره کل ارشاد اسلامی استان کردستان، چه برنامه‌هایی برای حمایت از هنرهای نمایشی دارد؟

در سه بخش طرح‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت برنامه‌هایی تدوین و در حال اجرا است. در برنامه‌های درازمدت، بیشتر تأکید بر برنامه‌های آموزشی است. بهره‌گیری از استادان برجسته و شناخته‌شده‌ای همچون دکتر قطب‌الدین صادقی و سایر استادان پیشکسوت یکی از این رویکردهاست که در آینده پیگیری خواهد شد. بر این اساس، تقویت بنیان‌های حرفه‌ای به صورت ویژه‌ای مورد توجه قرار دارد.

از جشنواره‌های متعددی که در حوزه تئاتر در این استان برگزار شده است، بگویید.

جشنواره بین‌المللی تئاتر خیابانی در شهرستان مریوان با حضور برخی کشورهای همسایه و اروپای شرقی برگزار شد. در کنار جشنواره، کارگاه‌های آموزشی نیز برپا بود. خروجی‌های تئاتر استان کردستان (تئاتر استانی و منطقه‌ای) بسیار درخشان و حائز اهمیت بوده است و اغلب گروه‌های تئاتری استان در جشنواره‌های معتبر حضور پیدا کرده‌اند، بنابراین همواره می‌کوشیم حمایت‌های خوب و کاملی در سطح استان از تئاتر داشته باشیم. در بحث زیرساخت‌ها، برای برخی از شهرهای استان پلانوهای برای انجام تمرین‌های تئاتری گروه‌ها ایجاد شده است. سالن‌های نمایشی متعددی در تمام شهرهای استان به جز شهر تازه‌تأسیس سلماشهر وجود دارد.

در حوزه سخت‌افزاری و افزایش فضاهای تئاتری، چه برنامه‌هایی را پیگیری کرده‌اید؟

مجتمع‌های فرهنگی متعددی در شهر کامیاران به مرحله بهره‌برداری رسیده است. این مجتمع‌های فرهنگی، چندمنظوره و مطابق با استانداردهای روز دنیا ساخته شده‌اند. برای مثال، سیستم صوتی اغلب آن‌ها دالبی است. استان‌های همجوار برای اجرای برخی از برنامه‌های فرهنگی خود از این سالن‌ها استفاده می‌کنند. همچنین ساخت یک مجتمع هنری در سلماشهر نیز به زودی آغاز خواهد شد. در سفر دوم هیأت دولت به استان کردستان، تأسیس موزه هنرهای معاصر مورد تصویب قرار گرفت و بودجه لازم برای عملیاتی شدن طرح اختصاص یافت. به علاوه، خانه فرهنگ قدیم سنندج را تبدیل به یک سالن مجهز جهت استفاده پیشکسوتان هنر و ادبیات کرده‌ایم که به زودی به بهره‌برداری می‌رسد.

در بحث فعالیت نرم‌افزاری چه اقدام‌هایی صورت گرفته است؟
بچه‌های تئاتر کردستان در جشنواره تئاتر سراسری قزوین شرکت کرده و برای حضور در مرحله نهایی مسابقات تئاتر سراسری کشور انتخاب شده‌اند. از جشنواره تئاتر مریوان نیز چهار گروه به جشنواره بین‌المللی فجر راه پیدا کردند. در جلسات متعددی که با مدیران مراکز هنری داریم، به بحث و بررسی شرایط تئاتر استان و راهکارهای بهتر شدن آن می‌پردازیم. در آخرین جلسه با مدیر انجمن نمایش استان کردستان و سایر مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بودجه مناسبی برای اجرای گروه‌هایی که اثری در دست نمایش دارند، مورد تصویب قرار گرفت.

در بحث ارتقای سطح علمی و آموزشی جوانان در عرصه تئاتر چه طرح‌هایی را مدنظر دارید؟

برای سال ۸۹ دوره‌های آموزشی مختلف توسط هیأت کارشناسی انجمن نمایش طراحی و تدوین شده که بودجه آن‌ها نیز به تصویب رسیده است. در جشنواره تئاتر کردی در سفری که یکی از جشنواره‌های پرطرفدار استان محسوب می‌شود و تمام کردهای ساکن کشور در آن حضور پیدا می‌کنند، دکتر قطب‌الدین صادقی دوره‌های مختلف آموزشی برای علاقه‌مندان برگزار کرده است. بهمن‌ماه، جشنواره تئاتر دانشجویی غرب کشور به میزبانی دانشگاه کردستان برگزار می‌شود. این جشنواره هم از جهت آموزشی و هم از نظر مالی از حمایت‌های لازم برخوردار است.

سالن‌های نمایشی متعددی در تمام شهرهای استان به جز شهر تازه‌تأسیس سلماشهر وجود دارد

آثاری بدیع در گونه‌های متن‌محور، مدرن و متکی بر حرکت

محمدباقر قهرمانی، عضو شورای عالی انتخاب آثار:

جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر از جمله جشنواره‌هایی است که می‌توان در آن هنرمندانی با سابقه دانشگاهی و غیر دانشگاهی را در کنار هم دید. با این حال، با یک نگاه کلی به سال‌های اخیر می‌توان بیشترین حضور هنرمندان دانشگاهی را در تئاتر سراغ گرفت؛ به طوری که باید راه ورود به تئاتر را دانشگاه دانست. این اتفاق را در تمامی رشته‌های مرتبط با تئاتر از جمله بازیگری، کارگردانی، نویسندگی، طراحی و حتی موسیقی می‌توان دید.

اگر بخواهیم در بیست و هشتمین جشنواره تئاتر فجر جای پای آثار بدیع و تازه را دنبال کنیم، باید به تعدادی آثار متن‌محور، مدرن و یا متکی بر حرکت اشاره کنیم که دارای خلاقیت‌های جدیدی بودند؛ نمونه‌هایی که من در تئاتر دنیا سراغ نداشتم.

در بین این آثار، نمونه‌هایی با مایه‌های نمایش‌های ایرانی دیده می‌شد و آمیختن فرهنگ و آداب و رسوم بومی با متن‌های غیر ایرانی و افزودن شخصیت‌های ایرانی به آثار خارجی نیز به چشم می‌آمد.

در شورای عالی انتخاب آثار که من نیز یکی از اعضای آن بودم، فهرست مشخصی برای نکاتی که باید مورد توجه قرار گیرد، وجود نداشت؛ بلکه یک تفاهم مشترک میان افراد بود که تنها آثاری برای جشنواره انتخاب شوند که از نظر هنری بالاتر از بقیه قرار گیرند.

بنابراین، کوشیدیم نمایش‌ها را در مقایسه با آثار مطرح انتخاب کنیم، از این رو، آن‌چه کارگردان و عواملش به عنوان یک خلاقیت ویژه به منصه ظهور رسانده بودند؛ چگونگی تفسیر بازیگران از متن، توانایی بازیگران و خلاقیت و توانایی کارگردان از جمله نکاتی



برخی از آثار خلاقیت‌های تازه‌ای داشتند؛ مثلاً آمیختن فرهنگ و آداب و رسوم بومی با متن‌های غیر ایرانی و افزودن شخصیت‌های ایرانی به آثار خارجی

بود که برای گزینش آثار از دید من و دیگر دوستانم در شورای عالی انتخاب، مورد توجه قرار گرفت. گرچه آثاری در بخش بازیبینی وجود داشت که به مرحله تمرین فنی رسیده بودند و دکور، لباس، نورپردازی و دیگر بخش‌های فنی را نیز داشتند، اما کم‌تر اتفاق افتاد کاری را با نگاه تکنیکی بررسی کنیم.

دومین نکته‌ای که به آن توجه شد این بود که نمایش حرفی برای گفتن داشته باشد. این که آیا تم مشخصی دارد؟ یا آن‌چه می‌گوید به درد می‌خورد یا تنها برای جلوه کردن، تولید شده است؟ در همین راستا، سعی کردیم آثاری که به انسان و شخصیت او می‌پردازند، جایی در جشنواره داشته باشند.

در تجربه شورای عالی انتخاب که در جشنواره بیست و هشتم برای اولین بار شکل گرفت، یک نکته قابل توجه وجود داشت؛ این که هماهنگی کاملی میان اعضای این شورا برقرار بود. البته موارد نادری داشتیم که میان اعضا بحث می‌شد ولی به سرعت جنبه‌های مشترک خود را می‌یافت.

بهترین تندیسها بهترینها

ابتدا فیلمی کوتاه از بازدید دادخواه از نمایشگاه عکس جشنواره بیست و هشتم بخش و پس از آن، یادداشت سیف‌الله صمدیان دربارهٔ او قرائت شد. فنانه دادخواه نیز با ابراز خوشحالی از این که پس از ۳۰ سال، عکاسی تئاتر را در جایگاهی مستقل می‌بیند، از حضور کارگردانان و بازیگرانی که در تمام ۳۰ سال گذشته با او همکاری کرده‌اند، تشکر کرد.

سرود جمهوری اسلامی ایران شروع شد، به اهدای جوایز بخش‌های پوستر، عکس، نمایش‌های رادیویی و تلویزیونی و نمایش‌های خیابانی بیست و هشتمین دوره تئاتر فجر اختصاص داشت. اولین بخش مراسم، تقدیر از فنانه دادخواه، بانوی پیشکسوت عکاسی بود که با حضور حمید جلیلی بر صحنه انجام شد.

پس از پایان مراسم اختتامیه بهترین‌های تئاتر ایران با حضور محمد حسین ایمانی خوشخو (معاون امور هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی)، حمید شاه‌آبادی (قائم‌مقام معاون امور هنری)، حسین یارسانی (دبیر جشنواره)، مدیران بخش‌های رادیویی و تلویزیونی و شماری از هنرمندان تئاتر گذشته در تماشاخانه ایرانشهر، برگزار شد. مراسم با تلاوت آیاتی از کلام... مجید و نواختن

اهدای جوایز مسابقه عکس تئاتر

حمید شاه‌آبادی، قائم‌مقام معاون امور هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در کنار فنانه دادخواه و حمید جلیلی قرار گرفت تا جوایز بخش مسابقه عکس را اهدا کند.

بدین ترتیب، هیات داوران (حمید جلیلی، فنانه دادخواه و رضا معطریان)، با تقدیر از آقایان حسین گلیا و محمدرضا سلطانی، برندگان جوایز و لوح تقدیر را به شرح زیر اعلام کرد:

- جایزه رتبه اول شامل تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به «حسن طاهری» برای عکس نمایش «شکار روباه»

- جایزه رتبه دوم شامل لوح تقدیر و مبلغ ۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال به «مانی لطفی‌زاده» برای عکس نمایش «آسمان روزهای برفی»

- جایزه رتبه سوم شامل لوح تقدیر و مبلغ ۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال به «ساغر برکات» برای عکس نمایش «بیچاره مکت»



بزرگداشت و اهدای جوایز مسابقه پوستر

تماشاگرانی برای تئاتر و اختتامیه

شب گذشته محوطه سالن ایرانشهر پر از تماشاگرانی بود که پیش از ورود به سالن شماره ۲ و دیدن نمایش «مکاشفه در باب یک مهمانی خاموش» به کارگردانی رضا حداد، به تماشای اختتامیه برترین‌های تئاتر ایران در سالن شماره یک مشغول بودند. رفت و آمد مهمانان اختتامیه، خبرنگاران و عکاسان نیز بر این ازدحام افزوده بود، به طوری که نمی‌شد مخاطبان دو سالن را از هم جدا کرد. همچنین اجرای نمایش در دیگر سالن‌های جشنواره، عاملی مضاعف برای گفت‌وگوهای کوتاه و گذرا میان مخاطبان این دو سالن بود که فضای جالب توجهی را در تماشاخانه ایرانشهر ایجاد کرده بود.



سارنج، قباد شیوا و... یاد کرد. وی تصریح کرد: «اگر قرار است متنی روی صحنه برود، باید سالن وجود داشته باشد و اگر قرار است پوستر تئاتر، سفیر فرهنگی باشد، باید طراحان پوستر تئاتر هم انجمن ویژه خود را داشته باشند تا با تغییر مدیریت‌ها، توجه به این هنر دچار آوج و فرود نشود.»

سال اخیر و تقدیر از ابراهیم حقیقی تشکر کرد. وی همچنین ابراز امیدواری کرد که از این پس مضامین این استاد گرافیک را پای پوسترهای تئاتر ببینیم. ابراهیم حقیقی نیز بخت تریبون قرار گرفت و از تمامی استادان گرافیک محرم ایران و استادان جدیدی از جمله بر جواد برضی، سعید حبیبی، محمدرضا

پوستر نمایش «مرد گل به دهان» و رتبه سوم شامل لوح تقدیر و مبلغ ۶ میلیون ریال به اشکان قازانچایی برای پوستر «سیومین جشنواره نمایشنامه‌خوانی نیاوران» اهدا شد. در پایان این بخش، مرتضی اتابکی پوستر تئاتر را سفیر فرهنگی یک ملت عنوان و از توجه به پوستر تئاتر در دو

کرد و این اتفاق به سومین طراحی رسید تا خودش به طراحی که تمام مفهوم نمایشنامه را در خود داشت نرسید، کار را تمام شده ندید. حقیقی نه تنها طراحی بسیار قوی است که یک دوست صمیمی برای من نیز به شمار می‌رود، افتخار می‌کنم که جایزه‌اش را با دستان خودم به او بدهم.» سپس محمود شالویی، مدیرکل دفتر هنرهای تجسمی، برای تقدیم جوایز بخش پوستر روی صحنه رفت. حمید سمندریان، شالویی و ابراهیم حقیقی جوایزی را که هیات داوران این بخش (علی رفیعی، مسعود سپهر و بهرام کلهرتیا) مشخص کرده بودند، به برندگان اهدا کردند.

هیات داور این بخش پوستر با تقدیر از همایون غنی‌زاده، سپهر دانش‌اشراقی و یحیی پاکدل، جایزه اول شامل تندیس، دیپلم افتخار و مبلغ ۱۰ میلیون ریال را به مرتضی اتابکی برای پوستر نمایش‌های «بوق»، «مجلسی برادرکشی» و «دیوار چین» اهدا کرد.

جایزه دوم شامل لوح تقدیر و مبلغ ۸ میلیون ریال به رضا باباجانی برای

در این بخش، پس از اجرای قطعه بانومیمی با موضوع پوستر تئاتر، حمید سمندریان روی صحنه رفت تا مراسم بزرگداشت ابراهیم حقیقی با حضور او برگزار شود. فیلم کوتاهی از ابراهیم حقیقی بخش شد که در آن از اولین پوستری که برای تئاتر «راهبه‌ها» طراحی کرده بود، یاد می‌شد و او می‌گفت: تئاتر مستقیماً با زندگی سر و کار دارد. هنر هنوز نمرده و هنرمند می‌تواند همیشه متولد شود و به ظهور درآید. جوان یا پیر بودن تعیین‌کننده قد و قامت رفتاری هنرمند نیست و...»

سپس استاد سمندریان درباره ابراهیم حقیقی سخن گفت: «حقیقی را از زمانی می‌شناسم که امکان تئاتر کار کردن نداشتم و در طبقه پایین منزل رستورانی باز کرده بودم و با تعدادی از شاگردانم آن را اداره می‌کردم.»

وی با مرور خاطراتی از دوران همکاری‌اش با ابراهیم حقیقی افزود: «مانی که نمایش «کرگدن» را کار می‌کردم، طراحی پوستر را به او سپردم. به یاد دارم طرح اول را برای استاد که پسندیدم اما آن را نهایی

اهدای جوایز مسابقه نمایش‌های رادیویی

افتخار و مبلغ ۵ میلیون ریال برگرزیدند.

جوایز بخش‌های تنظیم‌کننده، سردبیر، بازیگر مرد، بازیگر زن، تهیه‌کننده، نویسنده کارگردان و بهترین کار از دید هیات داوران، دیپلم افتخار و مبلغ ۱۰ میلیون ریال بود که به ترتیب زیر اهدا شد:

تنظیم‌کننده پرتو: ایوب آقاخانی برای نمایش «باجه تلفن»

سردبیر پرتو: ندا هنگامی برای نمایش‌های «پلکان» و «روز واقعه»

بهترین بازیگر مرد: مصطفی عبداللهی برای نمایش «پلکان»

بهترین بازیگر زن: شهبان نجف‌زاده برای بازی در نمایش «روز واقعه»

بهترین تهیه‌کننده: محمود احمدی برای نمایش «روز واقعه»

نویسنده پرتو: محمود استادمحمد برای نمایش «تهرن»

بهترین کارگردان: علی عمران برای نمایش‌های «پلکان» و «روز واقعه»

جایزه بهترین اثر نیز به محمد میاجز به نمایندگی از طرف گروه نمایش «پلکان» اهدا شد.

همچنین از زحمات محمود زنده‌نام برای حمایت از نمایش‌های رادیویی هم در رادیو و هم در جشنواره تقدیر شد.



کردند. جایزه افکتور برگزیده به طور مشترک با اهدای دیپلم افتخار و مبلغ ۵ میلیون ریال به محمد رضا قبادی فر، افکتور نمایش‌های «پلکان و روز واقعه» و فرشاد آذرنیا افکتور نمایش «سرگذشت عجیب بنجامین باتن» اهدا شد. در بخش صابرداری نیز رضا طاهری صابردار نمایش‌های «پلکان و خواب خفتگان» و علی حاج‌نوروزی صابردار نمایش «روز واقعه» با دریافت دیپلم

ایران‌شهر و دیگر سالن‌های در دست ساخت تشکر کرد و تولید تله‌تئاتر و بردن آن به شبکه‌های خانگی را یک راه میانبر برای گسترش تئاتر در جامعه دانست. سپس در بخش اهدای جوایز، محمدحسین صوفی معاونت صدا، شوشتری از مدیران سازمان فرهنگی-هنری شهرداری و محمود زنده‌نام رئیس مرکز هنرهای نمایشی رادیو به دکتر ایمانی پیوستند و جوایز مسابقه نمایش‌های رادیویی را به شرح زیر اهدا

به این اتفاق کمک کرده‌اند، تشکر و تأکید کرد در سال‌های گذشته، هیچ روزی بدون تئاتر نبوده است و وی افزود: «استقبال مخاطب از تئاتر، آینده پرستولی را برای ما رقم می‌زند. امروز همه شرایط برای افزایش ظرفیت‌های تئاتر مهیا است و من در تمام جلسات برنامه‌ریزی این را خواستام.» معاون هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در بخش دیگری از صحبت‌هایش از شهرداری برای ساخت سالن‌های

دکتر ایمانی خوشخو در بخش سوم این مراسم روی صحنه رفت تا آغازگر اهدای جوایز بخش مسابقه نمایش‌های رادیویی و تلویزیونی باشد.

معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با بادی از جشنواره‌های دوره قبل گفت: «در اختتامیه پنج دوره قبل بود که یادآور شدم توسعه تئاتر نیاز به همت جمعی دارد و اهالی تئاتر باید دست به دست هم دهند. در طول این چند سال، شاهد اتفاق‌های خوبی بودیم. از جمله یکی از مؤلفه‌های تئاتر که مخاطب است، بیشتر از هر مؤلفه دیگری خود را نشان داد. امروز آمار مخاطبان تئاتر ۶ میلیون نفر است؛ یعنی ۶ میلیون نفر در هر شرایطی به تئاتر می‌پردازند و به آن اهمیت می‌دهند.» وی سپس با اشاره به اتفاق نامبارک بلیت‌های نقلی که خود نشان‌دهنده افزایش مخاطبان این هنر است، افزود: «امروز دیگر این جملات که سطح تئاتر بسیار بالا است و ما به مخاطب کاری نداریم، در میان هنرمندان شنیده نمی‌شود و هنرمندانمان به سمت متن‌هایی رفته‌اند که از دل مخاطب درآمده و این خود اتفاقی فرخنده به شمار می‌رود.»

ایمانی خوشخو آمار ۶ میلیون مخاطب را در رقم برنامه‌ریزی توسعه، بزرگ عنوان کرد و از تمام هنرمندانی که با تیزهوشی

اهدای جوایز مسابقه نمایش‌های تلویزیونی

لحظه‌های پرتیاب در اختتامیه

مراسم معرفی برترین‌های تئاتر ایران با انتشار دود از سقف سالن شماره یک ایران‌شهر لحظات پرتیابی را پشت سر گذاشت. حاضران که دقایقی پس از شروع مراسم بوی چوب سوخته را در سالن حس می‌کردند، همزمان با سخنرانی دکتر ایمانی خوشخو با حجم زیادی از دود که از دریچه‌های پروژکتورهای سقفی خارج می‌شد، مواجه شدند. همزمان در حالی که عده‌ای از بیمه آتش‌سوزی سالن را ترک می‌کردند، مدعوین دیگر با اشتیاق صندلی‌های خالی آن‌ها را پر می‌کردند. شاید این عده دود را حاصل دستگاه مه‌ساز صحنه می‌دانستند و یا به دستگاه اطفای حریق سالن اعتماد کامل داشتند. خوشبختانه، حادثه مذکور خطری در پی نداشت و پس از چند دقیقه اوضاع سالن به حالت عادی بازگشت.



این بخش نیز همچون بخش‌های قبلی با اجرای یک قطعه پانومیم کوتاه آغاز و با حضور مرتضی تمدن، سید محمد هادی ایازی و محمد خزاعی بر صحنه همراه شد. جایزه بهترین طراحی صحنه نمایش‌های تلویزیونی به منوچهر شجاع برای «سفر به گمشک»، جایزه بهترین بازیگر مرد به فرشاد آتش برای نمایش‌های «هنر» و «خانواده ست» و جایزه بهترین بازیگر زن به رویا میرعلمی برای «جبهه‌های من، آفریقای من» اهدا شد.

در بخش نویسندگی ضمن تقدیر از علی نصیریان و فرشاد ناظرزاده کرمانی، جایزه متن برگزیده به علیرضا نادری برای «چهار حکایت از چندین حکایت رحمان» اعطا شد. در بخش کارگردانی تلویزیونی هیات داوران ضمن تقدیر از مسعود فروتن، جایزه این بخش را به بیژن صمصامی برای نمایش‌های «روزانو»، «سکوت» و «دغدغه‌های برزین» اهدا کرد. همچنین جایزه بهترین کارگردانی هنری را مهرداد رایانی مخصوص برای نمایش «سکوت» دریافت کرد. جوایز بزرگ‌بودگان بخش‌های نمایش‌های تلویزیونی دیپلم افتخار و مبلغ ۱۰ میلیون ریال بود.

برترین‌های تئاتر خیابانی

نمایش «غنی» از تهران با اهدای لوح و مبلغ ۲ میلیون ریال تقدیر شد.

جایزه طرح و ایده نیز شامل تندیس جلال و مبلغ ۸ میلیون ریال به ترکیب جلال و «اعترافات یک مسافر» رسید. برندگان دیگر «طرح و ایده» نمایش خیابانی، جمشید عسگری برای «اعترافات» و حمیدرضا بوری برای نمایش «اعترافات» اهدای لوح و مبلغ ۳ میلیون ریال به ترکیب جلال و «اعترافات یک مسافر» رسید. همچنین تندیس «تئاتر ایران» به نمایش «اعترافات یک مسافر» اهدا شد.

تندیس «تئاتر ایران» به نمایش «اعترافات یک مسافر» اهدا شد. همچنین تندیس «تئاتر ایران» به نمایش «اعترافات یک مسافر» اهدا شد. همچنین تندیس «تئاتر ایران» به نمایش «اعترافات یک مسافر» اهدا شد.



نمایش‌های این مراسم به معرفی برترین‌های تئاتر خیابانی اختصاص داشت. مراسم معرفی، علی مؤذنی، مجید جوزانی و سید مصطفی روی صحنه رفتند و جوایز این بخش را اهدا کردند.

بخش موسیقی تئاتر خیابانی، دیپلم افتخار و مبلغ ۶ میلیون ریال به گروه موسیقی نمایش «غنی» از مرند تعلق گرفت. همزمان این بخش همچنین با اهدای لوح و مبلغ ۲ میلیون ریال از حمیدرضا بوری، نمایش «تئاتر کامل» تقدیر کرد. همچنین طراحی صحنه دیپلم افتخار و مبلغ ۳ میلیون ریال به میثاق حبیبی برای نمایش «اعترافات یک مسافر» از ملایر اهدا شد. همچنین از پوریا کریمی طرح «ما» از «تئاتر ایران» از لاهیجان و سلمان خلیلیان «تئاتر ایران» از تهران تقدیر شد. تهران با اهدای لوح و مبلغ ۳ میلیون ریال به نمایش «اعترافات یک مسافر» از ملایر تقدیر شد. همچنین بازیگر زن تئاتر خیابانی، سیدمهرنگار با اهدای لوح و مبلغ ۸ میلیون

رضا خداداد بیگی، کارگردان نمایش «شرق اینک»:

حمله تاتارها به ایران با چند تابلوی نقاشی



صحنه‌ای از مرحله تمرین نمایش «شرق اینک»

رضا خداداد بیگی، کارگردان زاهدانی بیش از دو دهه است که در وادی تئاتر فعالیت دارد. از او بیش از ۱۰ نمایش تنها به جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر راه پیدا کرده است که از میان آنها می‌توان به «بار دیگر هابیل»، «فاجعه‌ای با موهای ترو قهوه‌ای»، «رامشگر»، «بی‌سر کلاه»، «دو مرد روی پشت بام» و «مسافر کوچولو» اشاره کرد. «شرق اینک» نوشته امید رضا درباره حمله تاتارها به ایران است. حاکمی بنا بر سیاست پسرش گوهر گرانمایی را به تاتارها هدیه می‌کند تا از حمله آن‌ها جلوگیری کند. دزدی گوهر را گردن یکی از خدمه‌ها می‌اندازند و او را به قتل می‌رسانند و ...

«شرق اینک» چه مفهومی دارد؟
درباره اتفاقی است که در شرق منطقه جغرافیایی می‌افتد. در واقع، خورشید دوباره از شرق طلوع می‌کند و اتفاق جدیدی می‌افتد. نمایشنامه از چه ویژگی عمده‌ای برخوردار است که آن را مناسب برای اجرا دیدید؟
قصه حمله تاتارها به ایران بسیار جذاب است، هر چند به لحاظ تاریخی سندیت ندارد. اما این قصه به ما نشان می‌دهد که چقدر می‌توانیم به مام میهن وفادار بمانیم تا مام میهن به ما کمک کند آینده بهتری را پیش رو داشته باشیم.
در شیوه کارگردانی تابع چه چیزهایی بوده‌اید؟
کوشیده‌ام در یک فضای خالی از حجم، با چند تابلوی نقاشی فکر تماشاگر را متوجه دیالوگ‌ها کنم. بنابراین، به میزانشن خاصی توجه نمی‌کنم، بلکه هر چه هست بازی و شخصیت‌ها هستند.
به چه شیوه‌ای بازیگران را در این مسیر هدایت کرده‌اید؟
بازیگران درک خودشان از شخصیت‌ها را پرورش داده‌اند و آن را به چهره می‌آورند. آن‌ها از بدن استفاده‌ای نمی‌کنند انگار که تماشاگر کلوزآپ‌هایی از آن‌ها را می‌بیند. چرا به بازی در چهره اکتفا کرده‌اید؟



قصه نمایش «شرق اینک» یعنی موضوع حمله تاتارها به ایران بسیار جذاب است، هر چند به لحاظ تاریخی سندیت ندارد

چرا از موسیقی کم‌تر استفاده کرده‌اید؟
ما به‌جز ساز کوبه‌ای، از موسیقی زیاد استفاده نکرده‌ایم؛ چون نمی‌خواهیم تمرکز تماشاگران از بازی‌ها گرفته شود.
نمایش روایت می‌شود؟
نه، ما فقط یک حاجی فیروز داریم که کتابی را ورق می‌زند؛ اما کسی روایت نمی‌کند. آدم‌ها در موقعیت‌ها واکنش خاص خود را دارند و هر اتفاقی به دنبال خود اتفاق تازه‌ای را موجب می‌شود.
بنابراین، چندین خرده نمایش دیده می‌شود؟
بله.
با توجه به حذف دکور، طراحی صحنه نیز مینی مالیستی خواهد شد؟
بله، ما به این‌که همه چیز را در هر صحنه تنها توسط یک تابلوی نقاشی بیان کنیم، بسنده کرده‌ایم.
چرا تنها یک نفر از لباسی غیر از لباس فرم استفاده می‌کند؟
ما به تن یک بازیگر یک لباس سفید می‌کنیم که رویش خون یا رنگ قرمز ریخته شده است. در قدیم، این لباس به نشانه اعتراض پوشیده می‌شده است تا حاکم متوجه این آدم شود.
آیا در کارهای قبلی‌تان هم به همین شیوه کارگاهی عمل می‌کردید؟

خیر، برای اولین بار است که این اتفاق می‌افتد. قبلاً، آثارم شلوغ و پر تحرک بود. می‌خواستم دست به آزمایش جدیدی بزنم و ببینم که بدون تکان خوردن هم می‌توانم بر تماشاچی تأثیر بگذارم و آیا من و گروه‌م ظرفیت این‌گونه روایت را داریم.
بازتاب این نمایش در زاهدان چگونه بوده است؟
«شرق اینک» را برای جمعی از دوستان اجرا کردیم. تئاترهای نسبتاً با نمایش موافق بودند، اما خانواده‌ها احساس می‌کردند که کار خیلی تخت شده است؛ هر چند آن‌ها هم با نمایش ارتباط گرفته بودند.
نمایش تصویرسازی خاص خود را دارد.
ارتباط تماشاگران با ضرباهنگ اثر چگونه بود؟
آن‌ها می‌گفتند که نمایش جاهایی ما را می‌انداخت. علتش هم این است که بیشتر آن‌ها سالی یک بار هم تئاتر نمی‌بینند. تماشاگر عام بیشتر ذائقه تلویزیونی دارد و می‌آید که از یک نمایش لذت ببرد. حق هم دارد چون می‌خواهد تفریح کند.
آیا در تهران با مخاطبان بهتری روبه‌رو خواهید شد؟
احساسم این است. چون در این‌جا عده‌ای هستند که مدام به تئاتر شهر می‌روند و کارها را می‌بینند. در واقع، گروهی از مخاطبان خود تئاتری‌اند.

تفقق بیک و استه

فاسم مرادی، مدیر سامانه فروش اینترنتی بلیت:



ایدهٔ تأسیس سامانه فروش بلیت اینترنتی به دو سال پیش برمی‌گردد. اکنون گسترهٔ اینترنت و رسوخ آن در زندگی ما، امکان استفاده از این فرصت را فراهم می‌کند. این سامانه مجاللی است تا مخاطبان تئاتر بتوانند به‌سادگی از هر نقطه و مکانی بلیت خریداری کنند.

شهری مثل تهران با شرایطی که در آن وجود دارد (ترافیک، بُعد مسافت و صرف هزینه و زمان) به چنین امکانی نیاز داشت. صحبت‌هایی در آن زمان صورت گرفت که نتیجهٔ آن ایجاد سایت گیشهٔ تئاتر شهر بود. آن روز حرف از یک مجموعه خاص و آن هم تئاتر شهر بود. در پی آن، سیستم‌های دستی فروش بلیت مکانیزه شد. این جریان مورد استقبال مخاطبان واقع شد و ما را بر آن داشت تا به سرعت تماشاخانهٔ سنگلج و تالار هنر را نیز به این سامانه بیفزاییم.

در انتهای تیرماه سال جاری، سایت سامانهٔ فروش اینترنتی رسماً افتتاح شد. در آغاز ظرفیت محدودی را برای فروش در نظر گرفته بودیم که به مرور زمان و بنا بر استقبال مردم بر ظرفیت آن افزودیم. بعد از گذشت شش ماه از شروع فعالیت سامانه فروش، حسب دستور مدیر کل هنرهای نمایشی و دبیر جشنوارهٔ بیست‌وهشتم مقرر شد که برای اولین بار پا را از تئاتر شهر فراتر گذاشته، بلیت‌های جشنواره را برای خارج از تهران و کل کشور پیش‌فروش کنیم. این شاید ادای دینی باشد به هنرمندان و هنردوستانی که در اقصی نقاط کشور تمایل به دریافت و خرید بلیت جشنوارهٔ تئاتر داشتند و نمی‌توانستند در روزی خاص و ساعتی معین در مجموعهٔ تئاتر شهر حاضر شوند. تا امروز حدود ۶۵۰۰ عضو در این سامانه ثبت‌نام کرده‌اند. این امکانی است برای تمام ایرانیان که بدون حضور فیزیکی بلیت اثر دلخواهشان را تهیه کنند. ما از اقصی نقاط ایران کاربر داریم. برای نمونه، می‌توان به شهرستان شیبستر در آذربایجان، لار در فارس، رفسنجان در کرمان و شهر زاهدان اشاره کرد. همچنین بازدیدکنندگان زیادی نیز از خارج کشور در سایت ثبت شده است.

این سامانه همچنین از کشورهایی چون استرالیا، چین، هند، مالزی، امارات متحده عربی، مصر، آلمان، آمریکا و فرانسه بازدیدکننده داشته است.

این یک اتفاق خوب است. کار مهم ما این است که مردم را به طرف خرید بلیت اینترنتی سوق دهیم تا دیگر از ازدحام و صف‌های طولانی در گرما و سرما خبری نباشد. به امید آن که هر روز شاهد شرایط مساعدتر برای مخاطبان و هنردوستان در بخش خدمات‌رسانی باشیم.

تا امروز حدود ۶۵۰۰ عضو از اقصی نقاط کشور و همچنین از کشورهای چین، استرالیا، هند، مصر و آلمان در این سامانه ثبت نام کرده‌اند



روزهای پررونق برای وحدت و فردوسی

اصغر امیرنیا، مدیر عامل بنیاد فرهنگی - هنری رودکی:



بنیاد فرهنگی - هنری رودکی در بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر با دو مجموعهٔ تالار وحدت و فردوسی حضور دارد. اگرچه این همکاری سال‌های متمادی میان دبیرخانه جشنواره تئاتر فجر و این بنیاد وجود داشته، اما با پرداختن به وجه بین‌المللی تئاتر کشور، در جشنواره بیست‌وهشتم یعنی میزبانی بازار تئاتر ایران، تالار وحدت نقش

مهم‌تری در برگزاری جشنواره ایفا کرد. اصغر امیرنیا، مدیر عامل بنیاد رودکی، معتقد است که با افزایش میزبانی بنیاد، رونق بیشتری به تالارهای وحدت و فردوسی داده شده است.

چه اقداماتی از سوی بنیاد رودکی برای میزبانی جشنواره تئاتر فجر صورت گرفته است؟

پشتیبانی فعالیت‌های فرهنگی و هنری از وظایف بنیاد رودکی است و ما طبق سال‌های گذشته و با هماهنگی‌هایی که صورت گرفت، مجموعه‌های وحدت و فردوسی را براساس جدول زمان‌بندی در اختیار جشنواره قرار دادیم. امسال غیر از سالن‌های نمایش، میزبان بخش‌های دیگری از جشنواره نیز بوده‌اید؟

مجموعه آزادی، به دلیل فاصله‌ای که با دیگر تالارهای نمایش داشت از سوی دبیرخانه جشنواره انتخاب نشد



بازار تئاتر ایران در طبقه دوم و برنامه پرده‌خوانی که در سالن تالار وحدت برگزار شد رونق خاصی به این تالار داد. پارکینگ تالار فردوسی نیز میزبان تئاترهای خیابانی بوده است و هر شب بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ تماشاگر با وجود سرما و بارش باران، این نمایش‌ها را دیده‌اند. در چند شب گذشته نیز تالار فردوسی میزبان اپرای مولوی بود که بنیاد رودکی و مؤسسه توسعه هنرهای معاصر در تولید آن مشارکت داشته‌اند. استقبال از این اپرا به تنهایی نشان‌دهنده رشد علاقه‌ها و سلیقه‌های فرهنگی مردم در این سال‌ها است. فروش اینترنتی نیز یکی از اقدام‌های مثبت در پیشرفت ارتباط با مخاطبان است. امیدوارم هنرمندان قدر آن را بدانند و دچار غرور و نادیده گرفتن مخاطب نشوند.

آیا برای تالارهای بنیاد، آثاری را برگزیده‌اید؟

با توجه به کمبود تالارهای موسیقی، تالار وحدت تنها می‌تواند در مناسبت‌های خاص تئاتر داشته باشد. اما برج آزادی و تالار فردوسی میزبان تئاتر خواهند بود. آزادی همچنان که قرار بود، سه اثر نمایشی را میزبانی خواهد کرد. در تالار فردوسی نیز که به اجراهای عروسکی نخی اختصاص دارد، اگر با اداره کل هنرهای نمایشی به توافق برسیم، رپرتوار رستم و سهراب، «مکبث»، «عاشورا» و «مولوی» را خواهیم داشت. با توجه به بهسازی این تالار، امیدوارم رونق تئاتر عروسکی و افزایش کارهای این تالار را در آینده شاهد باشیم.

چرا از مجموعه آزادی در جشنواره فجر استفاده نشد؟

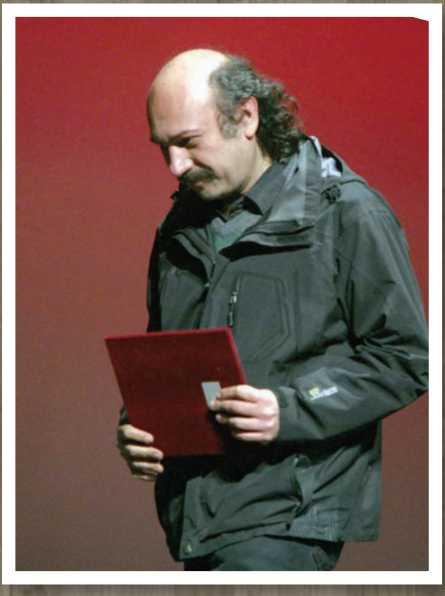
مجموعه آزادی به دلیل فاصله‌ای که با دیگر تالارهای نمایش داشت، از سوی دبیرخانه انتخاب نشد.

چه بخش‌هایی از فردوسی بازسازی شده است؟

از آنجا که بخش‌های مجموعه فردوسی در شرایط ویژه‌ای ساخته شده، چندان مسائل ایمنی در آن رعایت نشده بود و بخش‌هایی نیز فرسودگی داشت که خوشبختانه توانستیم این تالار را از نظر نما، سیستم ایمنی، گاز، برق، کف سالن و سن بهسازی کنیم. اکنون می‌توان گفت که بستر سخت‌افزاری سالن برای فعالیت‌های نرم‌افزاری آن مناسب شده است.

گزارش تصویری اختتامیه بهترین‌های تئاتر ایران





یک استکان چای

اگرچه ۲۱ سال قبل اجرا شده، اما احساس از آن سیراب نشد که وابستگی مستقیم اسطوره‌ای و سنت دارند، باید به دفاع



و کارهایمان را در این محیط انجام بدهیم. نکته مورد توجه این است که به هويت قهوه‌خانه توجه داشته باشیم. الان گفتمانی در کافی‌شاپ و چایخانه‌ها صورت نمی‌گیرد و حضور مردم جنبه تفریحی و قلیان کشیدن پیدا کرده است. نکته مهم دیگر حضور پررنگ خانم‌ها در این محیط‌ها است که در گذشته اصلاً شاهد حضور آنان در قهوه‌خانه‌ها نبودیم. البته در آن مقطع تاریخی، در مناسبات اجتماعی هم حضوری کم‌رنگ داشتند.

شاهنامه شخصیت‌های جذاب و مورد توجه زیادی مانند رستم، سهراب، اسفندیار و ... دارد. علت توجه و علاقه شما به سیاوش چیست؟

مدت‌هاست که کل شاهنامه را در رادیو نقالی می‌کنم. بنابراین، اشراف کاملی به فضا و شخصیت‌های شاهنامه دارم. سیاوش شاید نکات مشترکی با برخی از شخصیت‌های شاهنامه نظیر اسفندیار داشته باشد. خصوصیت ویژه

و بارز سیاوش مظلومیت، صلابت، پاکی، دوستی و نگاه شفاف و پاک داشتن است که کمتر شخصیتی این ویژگی‌ها را توأمان دارد. سیاوش علی‌رغم این که می‌داند احتمال کشته شدنش وجود دارد، می‌رود تا با فداکاری و ایثار، نسلش تداوم پیدا کند. کافی بود سیاوش فقط برود نزد افراسیاب و موقعیت گرسبوز را مشخص کند، اما این کار را نمی‌کند، زیرا اصلاً گرسبوز را در حد و اندازه‌ای نمی‌داند که بخواهد او را افشا کند.

هنگام ورود به سالن نمایش، با چای داغ از تماشاگران پذیرایی می‌شود. این مسأله برای قرار دادن ذهن مخاطب در فضای قهوه‌خانه‌ای صورت گرفته است؟

وقتی ایده‌هایی مانند این را در تئاتر عملی می‌کنیم، نتیجه‌اش مفاهیمی را انتقال می‌دهد که به کلیت اجرا کمک می‌کند. همیشه در نمایش‌های صحنه‌ای این عادت را دارم که تلاش کنم تماشاگر را از دنیای بیرون منفک کرده و تمام حواس و فکرش را معطوف به اجرا سازم. در نمایش «سوگ سیاوش» هم این اتفاق افتاده است. این چای دادن‌ها باعث می‌شود ذهن تماشاگر از فضای بیرون محیط تئاتر دور شده و خیلی سریع با اجرا همراه شود. از سوی دیگر، کارکردهای نمایشی و زیبایی‌شناسانه خاص خود را دارد و فضای ملموسی را پیش چشم مخاطب می‌آورد.

در نمایش شما، شاهد حضور دو سیاوش، یکی معاصر و دیگری کهن هستیم. این بهره‌گیری چه دلایل دراماتیکی دارد؟

اگر قرار بود سیاوش فقط در زمان گذشته دیده شود، با یک نمایش متفاوت و مستقل دیگری مواجه بودیم و ما الگویی برای اثبات این شخصیت در زمان حال در اختیار نداشتیم. بنابراین با دو سیاوش در نمایش مواجه هستیم که البته از یکدیگر جدا نیستند. همه ما سیاوش‌های خاص خودمان را داریم، اما چرا از آن‌ها استفاده نمی‌کنیم و به سمت مسائل خشونت‌آفرین و گرسبوز درونی خودمان می‌رویم و پاکی‌های سیاوش‌گونه وجودمان را کم‌رنگ می‌کنیم.

این کار را انجام می‌دهند یا این که با موقعیت شغلی آن‌ها مرتبط است. بیش از نیمی از خانواده‌های ایرانی نسخه‌ای از شاهنامه را در خانه دارند، اما چند درصد آن‌ها تمام شاهنامه را خوانده‌اند؟ به همین دلیل است که معتقدم وقتی انباشته‌های تاریخی خودمان را جمع‌آوری نکنیم، همان آدم‌های سال‌های گذشته و بدون تغییر هستیم.

آثار حماسی نظیر نمایش شما به چه میزان قدرت اثرگذاری دارد تا باعث افزایش و توجه تعداد مخاطبان به شاهنامه و سایر متون ایرانی شود؟

تماشاگر مانند هنرمند تعهد اجتماعی دارد و باید به آن پایبند باشد. البته من به تنهایی به عنوان یک هنرمند نمی‌توانم در کارم همه این نوع مسائل را به مخاطبم ارائه کنم. حتی یک جاهایی ممکن است در جایگاه تماشاگر مسأله‌ای را متوجه نشوم و آشنایی با آن نداشته باشم که موظفم بروم و درباره آن تحقیق انجام بدهم تا شناخت و آگاهی صورت بگیرد. اگر قرار باشد مخاطب هیچ تلاشی برای افزایش دانش و آگاهی خود نداشته باشد، حرف هنرمند و کارگردان تئاتر نمی‌تواند اثرگذار بوده و جامعیت داشته باشد. با این روش، تماشاگر در اصل برای سرگرمی در تئاتر حضور پیدا می‌کند. این شیوه دیدن نمایش هیچ حاصل و فایده‌ای ندارد و تئاتر اصیل و باهویت شکل نمی‌گیرد. تئاتر زمانی دارای هویت می‌شود که چالش بین مخاطب و هنرمند به وجود بیاید.

در دهه‌های گذشته قهوه‌خانه به عنوان یک مرکز مهم تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و فردی در هر محله‌ای نقش مهم و کلیدی داشت. در واقع قهوه‌خانه رفتن جزو برنامه‌های روزانه مردم بود!

بله، عادتی که تبدیل به آیین شده بود و به همین دلیل بود که بازی‌ها و سرگرمی‌های متنوع و مختلفی نظیر ترنابازی در این محیط‌ها به صورت گسترده‌ای انجام می‌شد. من وقتی فضای قهوه‌خانه را روی صحنه می‌آورم، منظورم این نیست که دوباره مثل سابق به طور مرتب به قهوه‌خانه‌ها برویم

پس از دو دهه، دوباره نمایش «سوگ سیاوش» را روی صحنه بردید، بر اساس چه نیازی این کار انجام شد؟

اگرچه ۲۱ سال قبل «سوگ سیاوش» اجرا شده است، اما همچنان احساس می‌کنم هنوز از این اجرا سیراب نشده‌ام. اینگونه نمایش‌های سنتی که وابستگی مستقیمی با میراث اسطوره‌ای و سنت‌های باستانی دارند، این ارزش را دارند که به دفعات اجرا شوند.

در اجرای مجدد، چقدر حرف‌های روز جامعه معاصر مورد توجه قرار گرفته است؟

تغییراتی در متن به‌وجود آمده که بنیادی نیست. تفکر و بن‌مایه اصلی نمایش همان است که بود. بیشتر به نوع اجرا تلاش کردم تفاوت‌هایی را به وجود بیاورم. بنابراین شخصیتی را به نمایش اضافه کردم تا نوع رفتار آدم‌ها امروزی‌تر شود. علی‌رغم این که دو دهه از اجرای گذشته گروه سپری شده، فکر می‌کنم آدم‌های جامعه ما همان آدم‌های دهه‌های گذشته‌اند و اندک کسانی تجربه‌های جدید و متفاوتی را به دست آورده‌اند. بنابراین، پیشرفت ذهنی قابل توجهی در آدم‌های این دوران مشاهده نمی‌کنیم که این امر باعث تأسف است. اگر تجارب و گذشته تاریخی را بتوانیم بیشتر مورد توجه قرار بدهیم، شاید به لحاظ هویتی گامی روبه جلو برداریم.

شخصیت جدیدی که به نمایش اضافه کرده‌اید، نماینده آدم‌های امروز جامعه است؟

نه، شخصیتی اسطوره‌ای و کهن مربوط به دوران شاهنامه است. آدم جهان‌شمولی است که در هر عصری می‌توانید نمونه‌های آن را ببینید. علاوه بر اصغر آقا صاحب قهوه‌خانه که محور تمام مسائل رخ داده در نمایش است، این شخصیت نیز چرخش مکانی انجام داده و به موقعیت اصغر آقا رسیده است. به هر حال همه این شخصیت‌ها با شاهنامه انس دارند و...

به نظر شما در حال حاضر چند درصد از مردم شاهنامه را می‌خوانند. به زحمت ۱۰ درصد از مردم فرصتی را برای شاهنامه‌خوانی صرف می‌کنند که البته بیشتر آن‌ها نیز یا از روی اجبار

پذیرایی از تماشاگر با چای داغ، آن هم هنگام ورود به سالن نمایش، باعث می‌شود ذهن تماشاگر از فضای بیرون محیط تئاتر دور شده و خیلی سریع با اجرا همراه شود

ی از دغدغه‌های نمایشی سیاوش مورت پرداختن بطوره‌های کهن بن زمین است. او با شاهنامه را در ادیو نقالی کرده به خوبی زوایای ر و پنهان آن را می‌شناسد. بار شدن منصور حلاج، «عاشق شون»، «و اینک جیبی» و «سوگ سیاوش» از جمله بایش‌هایی است لهورت در آنها این دغدغه‌اش پرداخته است. «سوگ سیاوش» سفری توأمان به گذشته و حال با شخصیت‌های لوره‌ای و معاصر دارد. لهورت کوشد در تقابل شخصیت‌های این یش، درام اثر را شکل بدهد.





سیامک احصایی، کارگردان «باغ مرگ»:

«باغ مرگ» بر روایت مکتب جاری شد

مکتب یک انتخاب است، چون اتفاقی که در مکتب می‌افتد با اتفاق اصلی نمایش «باغ مرگ» ربط دارد

نمایش قبلی شما اثری بود که علیه داستان قیام می‌کرد، حالا «باغ مرگ» همان نگاه را دارد یا نه؟
تکلیف این دو اثر از هم جداست و هر کدام شرایط خود را دارد. «باغ مرگ» یک قصه دارد که آن را آتیلا پسینانی نوشته است. ما در شروع، گپ و گفتی با هم داشتیم و پس از آن وی شروع به نوشتن کرد. قصه درباره مردی است که اثری به او رسیده و او با آن تئاتری را راه می‌اندازد تا نمایش مکتب را اجرا کند.

اجرای این اثر تا چه حد متأثر از ذائقه نویسنده آن است؟

این نمایش اصلاً به شکل اجراهای تجربی آتیلا پسینانی نزدیک نیست. من، آتیلا پسینانی و فرهاد مهندس‌پور به عنوان دراماتورژ، جلساتی داشتیم که در نهایت به یک متن کامل رسیدیم.

ویژگی مهم نمایش «باغ مرگ» چیست؟

من این نمایش را در بخش تجربه‌های نو ارائه دادم، کاری که تا به حال نکرده بودم.

سیامک

احصایی در کنار

کارگردانی، از

طراحان بنام

صحنه است. دو

اثر قبلی او با

نام‌های «واقعیت

اینه که خورشید

دور ما می‌گرده»

و «ترمینال» هر

کدام بازخوردهای

مختلفی را در

پی داشتند.

«باغ مرگ» به

زعم احصایی

تجربه‌های متفاوت

از دو نمایش

قبلی است و بر

عناصری تأکید

می‌کند که حول

محور زمانی

در چرخش‌اند.

در گفت‌وگوی

زیر به چگونگی

شکل‌گیری نمایش

«باغ مرگ»

پرداخته‌ایم.

با هم متفاوت بودند. این تجربه جدید به کدام سو می‌رود؟

من همیشه مخالف تکرار خودم هستم. کار اولی که نام بردید نمایشی بود که تماشاگر با آن ارتباط برقرار کرد. با این وجود، من هیچ وقت این حس را نداشتم که باید چیزی شبیه به این فضا را در جهت موفقیت تکرار کنم.

اما درباره کار دوم، گاهی چیزهایی عنوان می‌شود که خیلی شخصی است یا ممکن است بسیاری آن را نفهمند یا دوست نداشته باشند ولی هستند کسانی که مثل من فکر می‌کنند، منتها من فکرهایم را به حرف آوردم.

حاصل این همکاری گروهی (احصایی، پسینانی و فرهاد مهندس‌پور) را چطور ارزیابی می‌کنید؟

مهندس‌پور به عنوان دراماتورژ، با اشرافی که بر نمایشنامه مکتب دارد، در کنار کار، تحلیل‌ها و نظراتی را ارائه کرد که بسیار مفید بود. شناخت کامل او سبب شد که در جلسات مشترک ما اتفاق‌های خوبی بیفتد. این همکاری و مشورت و حضور جمعی می‌تواند تأثیر درست و مطلوبی داشته باشد، کما این که در این جا داشت.

را انتخاب کنیم. اگر داستان جور دیگری پیش می‌رفت، برای مثال با هملت در ارتباط بود، می‌توانستیم آن را با مکتب عوض کنیم. در قصه ما، مکتب به لحاظ تنظیم داستانی از دیگر گزینه‌ها زیباتر بود.

طراحی صحنه هم که طبعاً با کارگردانی شما گره خورده است. از نگاه تصویری حرف بزنیم که همیشه آن را مهم می‌دانید.

برای من تصویر خیلی اهمیت دارد. به نظرم یک تصویر خوب بیش از یک کتاب می‌تواند تأثیر داشته باشد و حرفش را بزند. البته این امر متغیر است، ولی در مورد خودم این نکته را می‌توانم بگویم که تصویر در کارهایم هیچ‌گاه به صورت یک پس‌زمینه صرف نبوده بلکه عنصر کاربردی بوده است که حتماً در پس آن تحلیل هست و برایش توجیه دارم.

فضای نمایش ما ثابت است و اگر در آن حرکتی می‌بینیم، به شرایط داستان مربوط می‌شود. نمایش پیش قصه یا پیش زمینه‌ای را ارائه می‌دهد که تماشاگر را مقید می‌کند بر اساس آن فکر کند.

دونمایش قبلی شما یعنی «واقعیت اینه که خورشید دور ما می‌گرده» و «ترمینال» به لحاظ مسیر

بنابراین این نمایش در مواجهه با آثار قبلی‌ام جدید است. در این نمایش، از شکل و چارچوب قصه استفاده کرده‌ام. البته زمان در این قصه جابه‌جا می‌شود و با تغییر زمان می‌رسیم به یک نقطه مشترک. جدای از این تلاش‌م بر این بود که از نظر تصویر و شکل تصویری اجرا، هنگام تغییر زمان، شکل و ریخت باز یگر هم تغییر کند منتها این تغییر منوط به دیالوگ نیست و فضای اجرا در این راستاست.

آیا می‌شود بر چیزی که می‌گویید نام فلاش بک یا فلاش فوروارد را گذاشت؟

فلاش فوروارد که فکر نمی‌کنم، اما شرایط اجرای درست قصه این امکان را می‌دهد که فلاش‌بک را ایجاد کنیم، بدون این که نیازمند رفتن از مکانی به مکانی دیگر باشیم.

دلیل انتخاب نمایش مکتب برای اجرا در این فضا چیست؟

فضای نمایش یک تماشاخانه و مکتب هم فقط یک انتخاب است، چون اتفاقی که در مکتب می‌افتد به اتفاق اصلی نمایش ما ربط دارد و حتی اتفاق اصلی با اتفاقی که در مکتب می‌افتد، یکی می‌شود. شرایط داستان می‌طلبید که ما مکتب

نمایش «باغ مرگ» درباره مردی است که اثری به او رسیده و او با آن، تئاتری را راه می‌اندازد تا نمایش مکتب را اجرا کند



سادگی، تمام آنچه که می‌توان دید

«حکایت دختری که خاتون مغربی را دید» به کارگردانی جلال خیاب

نمایش «حکایت دختری که خاتون مغربی را دید» یکی از نمایش‌های بخش جشنواره جشنواره‌ها است که پیش از این در جشنواره تئاتر رضوی به عنوان اثر برگزیده شناخته شده است. اگر بخواهیم به ویژگی این نمایش در کلیت اجرایش اشاره کنیم، به طور حتم باید سادگی و صداقت آن را مورد ملاحظه قرار دهیم. دختری که از یک دمل رنج می‌برد، توسط نجمه خاتون، مادر امام رضا (ع)، شفا پیدا می‌کند. بنا به درخواست نجمه خاتون، دختر باید در ۱۱ ذیقعد هزمزمان با تولد امام رضا (ع) کرنا بنوازد.

اتفاق نمایش از جایی آغاز می‌شود که مشخص می‌شود در آن ناحیه کرنا زدن برای دختران جایز نیست. کارگردان نمایش با زیرکی قصه‌ای که در سناباد، یکی از روستاهای مشهد می‌گذرد را محدود به آن منطقه نمی‌کند و با از بین بردن لهجه و نوع پوشش خاص آن محل، همه ایران را مضمون این موضوع می‌سازد. زیرا اگرچه شکل این عقاید اشتباه، متفاوت است (برای مثال در خوزستان به گونه‌ای است که شاید در خراسان به آن گونه نباشد)، اما همه در ویژگی خرافه بودن مشترک‌اند.

سپروس همتی، نویسنده نمایش، سال‌هاست که در زمینه مضامین مذهبی قلم می‌زند و دغدغه‌اش در این حوزه بی‌شک



او را به مولفه‌های تاثیرگذاری رهنمون ساخته است. یکی از برجسته‌ترین این مولفه‌ها توجه به شخصیت‌پردازی است. شخصیت‌های نمایش «حکایت دختری که...» آن قدر واقعی و درست پرداخت شده است که تماشاگر به راحتی آن‌ها را می‌پذیرد و تا پایان اثر فرصتی را برای فکر کردن به جزئیات آن‌ها پیدا نمی‌کند. داستان نمایش ساده و نیز اگرچه بدون هیچ اوج و فرود خاصی است، ولی چنان جذاب و ترغیب‌کننده روایت می‌شود که تماشاگر را در طول ۵۰ دقیقه به حال خود رها نمی‌کند.

در یک نمایش رئالیستی، به طور حتم و یقین، برجسته‌ترین عنصری که به چشم می‌آید، بازی بازیگران است. در نمایش «حکایت دختری که...» بازیگران با درک صحیح از نقش خود توانسته‌اند ابعاد درستی از شخصیت‌های اثر را نمود دهند. این نکته را در بازی عصمت رضاپور، بیشتر می‌توان دید. شیوا خلیق، حسین میرزائیان و سعید بحرالعلومی، دیگر بازیگران این نمایش نیز شخصیت‌هایی را ارائه می‌دهند که برای تماشاگر باورپذیر است.

مسئلاً این روانی در بازی به نقش پنهان کارگردان بازمی‌گردد. کارگردان تنها در ابتدا و انتهای اثر از موسیقی استفاده می‌کند و لزومی هم برای حضور بیشتر موسیقی نیست. این استفاده صحیح سبب می‌شود که صدای کرنا در پایان نمایش شخصیت پیدا کند.

طراحی صحنه این نمایش فضای یک خانه سنتی و خرابه را نشان می‌دهد که مطابق با سبک نمایش است و طراح، مستقل از کارگردان دیدگاه خاصی را در طراحی خود ارائه نمی‌دهد.



در نمایش «حکایت دختری که خاتون مغربی را دید» استفاده صحیح از موسیقی سبب شده است، صدای کرنا در پایان نمایش شخصیت پیدا کند

مرام پهلوانی و انسانانی

«دست هزار غریب» به کارگردانی مجید واحدی (بزرگ‌دگان مناطق)

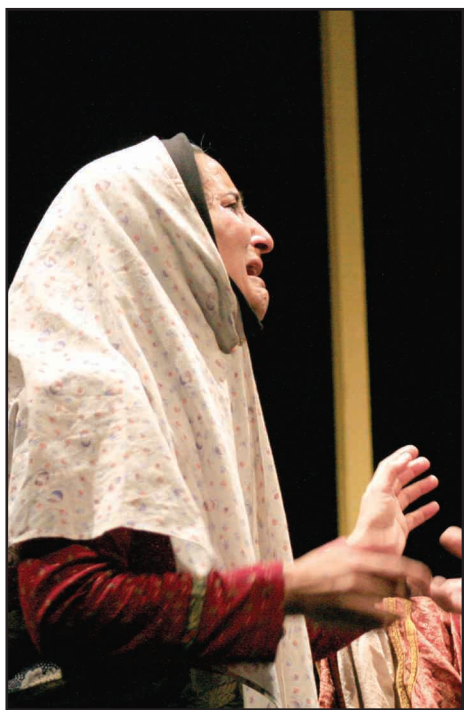
«دست هزار غریب» نوشته سعید تشکری مثل بیشتر آثار این نویسنده نمایشی مذهبی و معنوی است. این اثر با توجه به جغرافیای مشهد و براساس یک شخصیت واقعی نوشته شده است. در عین حال، کارگردان برخی تغییرات را در ساختار و قصه داده است.

پهلوان اکبر خراسانی شخصیتی واقعی است که بخش مستند این متن را شکل می‌دهد و با تفکر تشکری (نویسنده) درآمیخته است. پهلوان سلیم، پهلوان اول مشهد و کشور در دوره قاجار است که به طرز مبهم و مشکوکی زخمی می‌شود. پهلوان اکبر پسر پهلوان سلیم در حرم دعا می‌کند تا پدرش از حالت اغما بیرون بیاید و این شفا اتفاق می‌افتد. پس از آن، داستان به ذهنیت نویسنده بر می‌گردد؛ پهلوان اکبر با غرور و تکبر به دنبال کسب مقام پهلوانی در کشور است.

این خودستایی و قدرت‌طلبی، او را با لغزش‌هایی روبه‌رو می‌سازد و ...

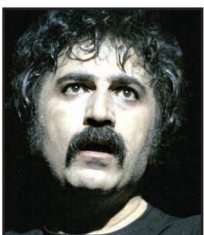
در این نمایش، مرام پهلوانی طی تنش‌هایی به اثبات می‌رسد. ساختار متن کاملاً کلاسیک است و کارگردان با توجه به تجربیات قبلی‌اش سعی کرده است از شیوه نمایش‌های ایرانی استفاده کرد و شیوه اجرایی‌اش کاملاً تلفیقی باشد. در این زمینه، سکوی گرد در طراحی صحنه یک رکن است. البته این شیوه فقط به کار میدانی بسنده نمی‌کند و در آن از سایه بازی نیز استفاده می‌شود. همچنین در طراحی صحنه از اختلاف سطح‌ها تنوعاتی به اثر تحمیل می‌شود.

در برخی از صحنه‌ها نور در طراحی مداخله می‌کند و در برخی از لحظات نیز قهرمان داستان با استفاده تلویحی از نور، به طور متفاوتی تصویر می‌شود. با توجه به آغاز نمایش



که دوره قاجار است و بعد به زمان معاصر نزدیک می‌شود، طراحی لباس با تغییراتی روبه‌رو خواهد شد. این قطعات به تدریج از لباس پهلوان اکبر کهنه می‌شوند و سر آخر یک قطعه از کودکی این شخصیت باقی می‌ماند که تبدیل به یک قاب عکس امروزی می‌شود.

گریم هم با توجه به یک پرش ده ساله و مسن‌تر شدن پهلوان اکبر باید در صحنه مورد استفاده قرار گیرد. بازیگران به چند شیوه رالیستی می‌کنند، اما با توجه به شرایط متن بیشتر شیوه رالیستی به کار گرفته می‌شود که این خود بر باورپذیری اثر می‌افزاید.



نمایش «دست هزار غریب» با توجه به جغرافیای مشهد و براساس مستنداتی از شخصیت واقعی پهلوان اکبر خراسانی نوشته و اجرا شده است

«سیندرلا» را مقابل رستم و سهراب قرار دادم



نوع ارتباط بچه‌ها هم متفاوت بود. چرا در تمام نمایش‌هایی که کارگردانی آن‌ها را انجام داده‌اید، خودتان طراحی نور و صحنه را بر عهده داشته‌اید؟

قصه‌های جذاب و مناسبی در ادبیات خودمان داریم که حتی می‌توانند از قصه‌های معروف دنیا ژرف‌تر باشند

زیرا معتقدم در این حیطه می‌توانم طبق نیازهای کودکان کار کنم. البته برای برخی از نمایش‌هایم طراحی صحنه را دیگران انجام داده‌اند. در هر صورت می‌کوشم از مسائل خلاقانه در کارهای طراحی بهره ببرم. مثلاً در جشنواره دو سال قبل تئاتر کودک در نمایش «بچه‌های خاکستری» از یک ماشین ژبان به عنوان دکور اصلی نمایش استفاده کردم. به نظر شما، تئاتر کودک در مقایسه با تئاتر بزرگسالان چه جایگاهی دارد؟

متأسفانه، تئاتر کودک هنوز به جایگاه واقعی و درستش نرسیده است. تئاتر کودک در همه‌جای دنیا دارای اعتبار و وجهه خاصی است و نگاه جدی به آن می‌شود. اوایل سال جدید با نمایش «بچه‌های خاکستری» در جشنواره تئاتر کودکان برلین در کشور آلمان حضور داشتیم که اولین حضور تئاتر کودک ایران در این جشنواره بین‌المللی بود. اغلب مخاطبان جشنواره آدم‌های متشخص و آگاه بودند و یک نوع نگاه جدی و کاملاً حمایتی به تئاتر کودک وجود داشت. در چند سال اخیر، تلاش‌های خوبی در حمایت از تئاتر کودک صورت گرفته است ولی هنوز با ایده‌آل‌هایمان فاصله زیادی داریم. باید نگاه‌های ساده‌انگارانه به نمایش کودک مورد بازنگری قرار گیرد. در مورد نمایش کودک می‌توان با اختصاص امکانات، کارهای حرفه‌ای زیادی انجام داد. از سوی دیگر، بچه‌های ما اگر تئاتر کودک را به خوبی بشناسند، به تدریج جزو مخاطبان حرفه‌ای آن در سال‌های آینده خواهند شد. حمایت و نگاه جدی مسئولان و اهالی تئاتر کودک نیز می‌تواند شرایط مساعد و خوبی را برای فعالیت در این عرصه فراهم سازد.

صورت مستقیم ارائه شود. بله، یکی از اصول تئاتر و ادبیات نمایشی کودک، پرهیز از مستقیم‌گویی است. استنتاج باید در ذهن مخاطب شکل بگیرد نه آن‌که در نمایش به صورت مستقیم مطرح شود. برای مثال، برای مطرح کردن این‌که «بچه‌ها شجاع باشیم»، مخاطب کودک باید با دیدن نمایش و از کلیت قصه آن به فضایل شجاع بودن برسد.

سیندرلا یکی از شخصیت‌های محبوب کودکان است. استفاده از این نام در عنوان نمایش دلیل خاصی داشت؟

حتماً، بچه‌های نمایش در ابتدا به کوچکی می‌آیند تا قصه‌ای را بازی کنند، آن‌ها هر روز یک داستان را برای بازی کردن انتخاب می‌کنند، یک روز شنگول و منگول و روز بعد یک نمایش دیگر. مهم‌ترین هدفم این بود که سیندرلا را مقابل رستم و سهراب قرار بدهم. به هر حال، سیندرلا یکی از قصه‌های مطرح و معروف ادبیات کودکان در سراسر جهان است. بنابراین، با این نمایش می‌خواستم عنوان کنم که ما هم قصه‌های جذاب و مناسبی در ادبیات خودمان داریم که حتی می‌توانند از قصه‌های معروف دنیا ژرف‌تر باشند. کودکان اگر سیندرلا را حتی ۱۰ بار بخوانند، چیزی از آن یاد نمی‌گیرند. در این نمایش تنها پیروزی خیر بر شر به صورت پررنگی دیده می‌شود. در حالی که اگر به قصه‌های ایرانی باز گردیم، به مسائل عمیق‌تری دست پیدا می‌کنیم. الان متأسفانه فرهنگ‌سازی در جامعه به گونه‌ای شکل گرفته که ادبیات غنی ایرانی در حاشیه قرار دارد.

در نمایش «سیندرلا در بن‌بست» علاوه بر انتقال مفاهیم آموزشی، توجه خاصی به فرهنگ غنی و پر بار ایرانی می‌شود.

بله، در این نمایش توجه ویژه‌ای به مطرح کردن ادبیات کهن ایرانی و ترویج آن میان کودکان و نوجوانان داشتیم. یکی از بحث‌های روز جامعه، توجه به قصه‌های شاهنامه است. به نظرم لازم است متناسب با سطح سنی بچه‌ها، داستان‌هایی از این شاهکار ادبیات فارسی تهیه شود. رستم، سهراب، فریدون، سیاوش و ... همگی شخصیت‌های جذابی برای تئاتر کودک به شمار می‌روند. این شخصیت‌ها و داستان‌هایشان کنش‌ها و بن‌مایه‌های خوب آموزشی در خود دارند که باید روی آن‌ها کار کرد و پردازش مناسبی را صورت داد. همان‌طور



امید بی‌نیاز نزدیک به دو دهه است که در حیطه تئاتر کودکان فعالیت می‌کند. آثار او توأم با خلاقیت و شیوه‌های نوین ارتباط با مخاطب کودک است. از جمله آثارش می‌توان از نمایش‌های «گنجشک اشی‌مشی»، «زیر گنبد کبود»، «بچه‌های خاکستری» و «یک جفت کفش برای علی» نام برد. بی‌نیاز در نمایش «سیندرلا در بن‌بست»، به ترویج ادبیات غنی و کهن ایرانی در قالبی جذاب برای مخاطب کودک می‌پردازد.

با توجه به سال‌ها فعالیتی که در عرصه تئاتر کودک و نوجوان دارید، در ابتدای این گفت‌وگو از ویژگی‌های تئاتر کودک بگویید.

من از سال‌های ابتدایی دهه ۷۰ وارد عرصه تئاتر و به ویژه تئاتر کودک شده‌ام. به نظر من، مهم‌ترین ویژگی کار برای کودکان، صداقتی است که در این زمینه وجود دارد. آن‌ها اصولاً مخاطبان متفاوتی‌اند. از سوی دیگر، اجرای نمایش برای کودکان و نوجوانان خیلی مهم و دشوار است، زیرا شخصیت آن‌ها در حال شکل گرفتن است. بچه‌ها در حقیقت فیلسوفان بی‌تجربه‌اند، بنابراین باید نمایش‌هایی برای آن‌ها ارائه شود که در عین سادگی، پر از معنا و محتوا باشد و این امر به نظرم مهم‌ترین ویژگی کار کودک به شمار می‌آید. متأسفانه برخی آن را رعایت نمی‌کنند و اغلب نمایش‌هایی را برای کودکان اجرا می‌کنند که بیشتر مناسب بزرگ‌ترها است. وقتی برای کودک کار می‌کنیم، باید خودمان را در آن سن و سال‌ها قرار بدهیم.

در نمایش کودکان، چقدر به انتقال مفاهیم آموزشی اعتقاد دارید؟

در جشنواره تئاتر فجر سال گذشته، با ارائه نمایش «بچه‌های خاکستری» به عنوان تنها نمایش کودک حضور داشتیم. به شخصه کوشیدم در آثارم یک تم مشترک داشته باشم و از دیدگاه‌های مختلف به آن بپردازم. این تم «زورگویی» است. موضوع نمایش

«بچه‌های خاکستری» بچه‌های خیابانی و کار کردن آن‌ها در محیط خیابان برای فردی به نام اردشیرخان بود. در «سیندرلا در بن‌بست» نیز فشارکی شخصیتی است که در یک کوچه بن‌بست زندگی می‌کند و به بچه‌های محل اجازه بازی کردن را نمی‌دهد. تلاش کرده‌ام به مخاطبان کودکم این مفهوم را انتقال بدهم که یاد بگیرند زیر بار حرف زور نروند. بچه‌های ما یاد نگرفته‌اند که در برابر حرف غیرمنطقی ایستادگی کنند، بلکه متأسفانه بیشتر یاد گرفته‌اند که در چنین مواقعی با گستاخی برخورد کنند.

به نظر می‌رسد در کار با کودکان، انتقال مفاهیم آموزشی در لایه‌های زیرین نمایش بهتر با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند تا این‌که به

حمایت و نگاه جدی مسئولان و اهالی تئاتر کودک می‌تواند شرایط مساعد و خوبی را برای فعالیت در این عرصه فراهم سازد

«رنگ‌ها» به نویسندگی و کارگردانی «تسولاک ملیک گالستیان»

وقتی رنگ‌ها جا

تئاتر ارمنستان در یک نگاه

عثمانی‌ها پیشرفت داشت. در اواخر قرن نوزدهم و در اوایل قرن بیستم، هنرمندان ارمنی عرصه هنرهای نمایشی منطقه قفقاز، در ارتباط دائم با غرب، به‌ویژه تئاتر فرانسه و گروه‌های تئاتری شکسپیرین انگلستان و همچنین در دوران اتحاد جماهیر شوروی، متأثر از نمایش‌ها و هنرمندان صاحب‌سبک تئاتر مسکو بودند و توانستند در این عرصه از هنر به پیشرفت‌های بسیاری نائل شوند.

بنابراین، تئاتر امروزی و معاصر این همسایه شمالی کشور ایران، وامدار چنین ارتباطاتی است. با چنین پیشینه‌ای، به‌ویژه داشتن تجربیاتی از تئاتر روسیه در دوران اتحاد جماهیر شوروی و سپس ارتباط با هنرهای نمایشی غرب، امروزه هنر نمایش در کشور ارمنستان گنجینه‌ای از ادبیات نمایشی را در خود انداخته دارد. نمایش در ارمنستان با توجه به قرابت‌ها و ارتباطات فرهنگی میان دو کشور، چه برآمده از دوران رمانتیک گذشته و چه از موضوعات اجتماعی معاصر، دارای موضوعات ریشه‌ای است.

و نیز یافته‌های باستان‌شناسی پیرامون شهر «آرمایر»، نخستین تئاتر رسمی در ارمنستان در دوران فرمانروایی پادشاهی به نام «تیرگران» تحت تأثیر فرهنگ یونانی، سوری و مقدونیه‌ای - که در آن زمان همسایگان ارمنی‌ها محسوب می‌شدند - برپا شد. در دوران عصر طلایی اروپا، حدود سال ۴۱۰ پس از میلاد، انجیل به زبان ارمنی ترجمه شد و این امر در همه زمینه‌ها، به‌ویژه برای تئاتر این منطقه کمک بسزایی به همراه داشت.

پس از آن، تئاتر ارمنستان فراز و نشیب‌هایی را تجربه کرد و پشت سر گذاشت؛ اما در سال ۱۸۵۵ بود که نخستین گروه تئاتری بنا بر تعریف غرب شکل گرفت و نمایشنامه‌های اصل و یا ترجمه‌شده از دیگر زبان‌ها منتشر شد. حتی گفته می‌شود نخستین بارقه‌های تئاتر به شکل مدرن در ترکیه، تأثیر گرفته از چنین جریان‌هایی در آن دوره بوده است.

بنا بر شواهد موجود، تئاتر میان ارمنه منطقه قفقاز بسیار سریع‌تر از هنر نمایش در منطقه تحت نفوذ

کشور ارمنستان که با نمایش «رنگ‌ها» در بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر حضور دارد، دارای تئاتری غنی است، آنقدر که ریشه در تاریخ کهن و پربار این سرزمین دارد. تئاتر در ارمنستان همچون دیگر کشورها، در سال‌های آغازین شکل‌گیری قوم ارمنی، در قالب آیین‌های مذهبی، برگزاری جشن الهه‌های مزارع و یا روح زندگانی اجرا می‌شده است.

مرکز نخست چنین شکل‌های اولیه نمایشی، در معابر شهری به نام «آشیشات» در حدود ۲۵۰۰ سال پیش بوده است. هرچند یورش مغولان، محل بایگانی نمایش‌های کهن این کشور حوزه قفقاز را از بین برده و رویدادهای دهشتناکی از نظر تاریخی و جغرافیایی بر این سرزمین گذشته است اما هنر تئاتر همچنان با قوت در ارمنستان ادامه یافته و بنا به گفته پلوتارک، مورخ یونان باستان، تئاتر ارمنی‌ها به معنای واقعی از سال ۷۰ پیش از میلاد آغاز شده است. بنا بر نوشته‌های تاریخ‌نگاران یونانی



پیر ما استاد دانشگاه بودن و تمامی دانشجویان او را ستودن و ناگهان مدعی از میان برخاستن و پیر ما را به چالش کشیدن و پیر ما بر وی پریدن و خرقة را دریدن و او را به خاک عزلت کشیدن و الخ ...

نسبتاً داننده و آگاه بود در زمان خشم می‌شد هیستریک او در آوردی ز وی شخصاً پدر صفر می‌شد از نخست و ابتدا سوتی‌هایش شهره آفاق بود حرف می‌زد از فنون اقتباس جمله را می‌برد در زیر سؤال گر چه او تحلیل هر دم بیل داشت جابه‌جا می‌گفت آثار «دوراس» توی نقد در مضرات دُخان ساعدی را گفت عضو کارگاه* جای اسم صاحبش کردی صدا در نگاهش بود از «ویکتور هوگو» پیله می‌فرمود بر «گونترگراس» نسبتش می‌داد بر «هانریش بل»

پیر ما استاد دانشگاه بود در نگاهش موج می‌زد استتیک هر که بر حرفش زدی حرف دگر نمره پایان ترم آن فنا پیر ما در درس دادن طاق بود گاه در بحث و جدل توی کلاس گاه می‌آمد که آن نازک خیال از پس هر گفته، او تحلیل داشت متن‌های «ژان آنوی» را در کلاس گاه می‌زد بر «چخوف» زخم زبان گاه می‌شد از طریق اشتباه «ویتسک» را گاه می‌شد جا به جا گاه می‌شد متنی از آلبر کامو بار دیگر گاه در حین کلاس گاه در ایراد نقدی بر «گوگول»

و در وصف استاد خوب گوید: کیست استاد؟ بر که گویند اوستاد جزوه‌هایش کُلهم از علم پُر گر تو استادی چنین آری به دست

و در ادامه داستان پیر ما که استاد بود ...

در حکایت نامه استادان داشت با شاگرد خود گفت و شنود ساکت و خاموش و گنگ و بی‌زبان ناگهان سوتی وحشتناک داد

باز می‌آیم به سوی داستان الغرض، روزی درون درس بود دیگران در پای بحث هر دو شان کرد ناگه او به جایی استاد

نقص انسان است در وی مستتر خود نمی‌داند و لیکن الکن است آن‌که او سوتی نداده گو که کیست سوتی استاد باشد عیب‌تر بایدهش محتاط بودن در سخن

و در باب دادن سوتی گوید: دادن سوتی بود ذات بشر هر که او منکر ز سوتی دادن است دادن سوتی همیشه جُرم نیست لیک در انواع سوتی در نظر آن‌که دارد ادعای علم و فن

اشتباه است آن‌چه می‌گویی شما اشتباه فاحشی رخ داده است پیش ما کن استنادی غیر از این طرفه العینی درآمد او به خشم نعره‌های جانگدازی می‌کشید فحش‌هایی خارج از ادراک داد طاق‌ها را جفت و از جفتی به طاق بر کشید از گردۀ آن‌ها دمار دستشان انداخت با خرما خرک از کلاس و درس خود محروم کرد

و بر ادامه ماجرای آن مجادله: گفت آن شاگرد، ای استاد ما نکته‌هایی از قلم افتاده است آن‌چه می‌گویی نه آن است و نه این ناگهان استاد را شد گرد چشم رنگ او قرمز شد و پلکش پرید خرقة را تانیمه‌هایش چاک داد دیگران گُرخیده از این اتفاق پیش چشمش گشت دنیا تیر و تار جمله را مردود کرد و داد تَک بعد از این شاگرد را محکوم کرد * غرض آن کارگاه است نه این کارگاه

مهمان

«قتل آقای کاف»، به کارگردانی جواد روشن

Guest

قربانی زد و بندهای سیاسی ق



«قتل آقای کاف»، نوشته جمشید خانیان، درباره یک داستان واقعی در جریان ملی شدن صنعت نفت است. روایتی که نمایش را در بخش انقلاب اسلامی جشنواره بیست و هشتم قرار داده است. حسن جعفری در دادگاه به ترور احمد دهقان محکوم و سپس اعدام می‌شود. این نمایشنامه را خانیان بر پایه اسناد و کتاب‌های موجود، با تأکید بر زد و بندهای سیاسی پیش از انقلاب اسلامی نوشته است.

یکی از ویژگی‌های این متن بحث درباره تاریخ معاصر و اتفاق‌هایی است که منجر به انقلاب اسلامی می‌شود. خانیان از این فرد بی‌گناه به نام کاوه رازمند در متنش بهره می‌گیرد و قربانی

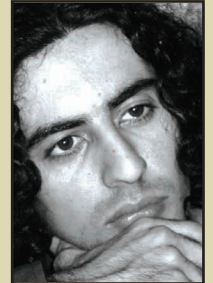
شدن او توسط بازی بزرگان و قدرت فاسد را به نمایش می‌گذارد. البته جواد روشن در اجرا نخواست به طور کامل به متن وفادار باشد و به همین دلیل برایش فضا سازی و روایت مهم‌تر بوده و اصراری نداشته که یک دادگاه را به شکل واقعی‌اش نشان بدهد. این نمایش ۲۰ صحنه و ۱۵ بازیگر دارد. ایجاز در صحنه، بر میزان بازی بازیگران افزوده

ان می گیرند

«رنگها» اثری مدرن

از هنر نمایش ارمنستان

نمایش «رنگها» در زمره تئاترهای مدرن، پیشرو و خلاقانه هنرهای نمایشی معاصر کشور ارمنستان قرار دارد. در تئاتر «رنگها»، با چهار شخصیت روبه‌رویم که هر کدام با یک رنگ شناخته می‌شود؛ در عین حال هر شخصیت با توجه به رنگی که برای او انتخاب شده است، احساسات، کنش‌ها و واکنش‌هایی را از خود بروز می‌دهد. در این نمایش که نمایشی است از گروه تئاتری «مهر»، رنگ‌ها به صورت موجوداتی زنده نشان داده می‌شوند که روح و جسم دارند و به زبان ویژه و خاص خود سخن می‌گویند. «رنگها» در اجرای صحنه‌ای برای روایت داستانی دراماتیک، از تکنیک‌هایی همچون حرکات نمایشی باله، سیستم‌های صدا و نور و نیز پروژکتور بهره برده است.



درباره کارگردان

نمایش «رنگها» اثری است از هنرمند عرصه هنرهای نمایشی کشور ارمنستان تسولاک ملیک گالستیان که در زمینه‌های مدیریت هنری، کارگردانی و طراحی حرکات موزون فعالیت داشته است. وی دارای مدرک مدیریت تئاتر از انجمن شهر خواهرخوانده ایروان یعنی کمبریج است. گالستیان از آکادمی هنرهای تجسمی ایروان در رشته طراحی فارغ‌التحصیل شد. او همچنین دوره‌های تئاتر خلاق و حرکات موزون هنرهای رزمی شرق را گذرانده است. این هنرمند عرصه هنرهای نمایشی کشور ارمنستان، به غیر از مدیریت گروه تئاتری «مهر» تاکنون در جشنواره‌های مختلف بین‌المللی حضور داشته و جوایزی را نیز از آن خود کرده است.



سبل از انقلاب

است تا حضورشان در فضا سازی و القای مفاهیم موثرتر باشد. رضا شاپورزاده در طراحی صحنه بر اساس ایده‌ها و پیشنهادهای کارگردان، به این سمت رفته است تا بازیگر در صحنه راحت‌تر باشد. در عین حال، فرصتی برای هماهنگی با دکور نیز وجود داشته باشد. البته برخی از مفاهیم نیز از طریق دکور منتقل می‌شود.

لباس‌ها نیز بر پایه توجه به تاریخ معاصر طراحی شده‌اند. در آن‌ها کدها و رنگ‌آمیزی‌هایی اعمال شده که متناسب با شخصیت‌ها است. دکور موجز و المانی است و به همین دلیل نور کارکرد بیشتری پیدا کرده است. نور و سایه در هر صحنه و یک طراحی و جلوه



جواد روشن
نخواست به طور کامل به متن وفادار باشد و از این رو اصراری ندارد که یک دادگاه را به شکل واقعی‌اش نشان بدهد

خاصی رسیده‌اند و در تمامی لحظات حضور پررنگی دارند. موسیقی هم دارای هویت و شخصیت است و از آن در فواصل بین صحنه و آغاز و پایان استفاده می‌شود. از افکت نیز در القای صحنه چاپخانه استفاده بهینه شده چون ارائه تصویر این صحنه به شکل رئال ناممکن بوده است. علی رامز و محمد ساربان، از پیشکسوتان تئاتر کشورمان، در این نمایش بازی می‌کنند. رامز با بیش از ۸۰ سال سن، حضور ارزشمندی در این اثر دارد. سرانجام این که اجرا باعث شده تا در هماهنگی با نویسنده، همه چیز با تغییرات لازم به یک نتیجه بهتر نزدیک شود.

موش و گربه عبید زاکانی

«افسانه زمینی» به کارگردانی زری طالبی (بخش چشم انداز)

بهره‌گیری از ادبیات کهن ایرانی یکی از منابع قابل اطمینان برای اجرای نمایش با رویکردهای طنز، موزیکال، درام و... است. زری طالبی در سومین تجربه کارگردانی تئاتری خود، به سراغ متن جاودانه و محبوب تمام دوران «موش و گربه» عبید زاکانی رفته است؛ متنی چندلایه و دارای خبرهای سیاسی و اجتماعی مختلف در قالب طنز.



وی در مورد توجه و استفاده از این متن می‌گوید: «مرحوم حسن حامد، چند سال قبل براساس این داستان، متنی نوشته بود و بسیار تمایل داشت که از این نمایشنامه اجرای صحنه‌ای انجام بشود که خوشبختانه امسال چنین شرایطی فراهم شد. نکته حائز اهمیت در نمایش «افسانه زمینی» وفادار بودن به وجوه موزیکال و طنز موجود در داستان عبید زاکانی و متن مرحوم حسن حامد است. بازیگران تئاتر به‌خصوص در اجراهایی که موزیکال و آهنگین‌اند، باید علاوه بر بدن آماده و ورزیده، صدای خوب و رسایی نیز داشته باشند. آن‌ها باید بتوانند موسیقی را با بدنشان به خوبی ارائه کنند. بازی‌های نمایش «افسانه زمینی» با توجه به این جنبه‌ها، به خوبی ارائه شده است. افسانه قاسمی در نقش شاه گربه‌ها با توجه به تجربیات گذشته‌اش بازی منعطفی را ارائه می‌کند. مهدی قاهری نیز در نقش مجسمه موش، بازی درونی و مؤثری را از خود نشان داده است. طراحی لباس، صحنه و نور با رویکردی در خدمت مضمون نمایش، به سادگی و بی‌پیرایگی گرایش دارد و می‌تواند باعث ارتباط مخاطب با نمایش شود.

Seyyed Sadeq Mousavi, Director of Honar Hall & Children Theater Development Office

Special Programs for Children



Participation of children and young adults plays is significant in the 28th Fajr International Theater Festival.

Besides Honar Hall, a specialized place for children works, such plays are being staged in other halls as well. Seyyed Sadeq Mousavi, director of Honar Hall and Children Theater

Development Office believes that the festival is the best chance for children works to be seen.

Mousavi, who also headed High Selection Council, said that they have tried to take advantage of the festival in addition to Isfahan Children and Young Adults Theater Festival. Fajr festival is a big art event for watching various plays.

We did our best in the ongoing festival to have some of successful children works such as "Hamlet, the Little Prince of Denmark, directed by Reza Babak and "Butterflies," co-directed by Francesco Gandi and Davide Venturini from Italy.

These plays, however, were staged in other halls not Honar Art.

Honar Hall as a specialized hall for children works has its own audience even during the festival. The policy to have the hall for children works will continue.

Another program for children is "Children, Theater, Peace." The program is being performed outdoor in front of City Theater Complex, warmly welcomed by citizens and children.

On pardekhani on stories of the Islamic Revolution, Mousavi said that pardekhani and shabihkhani were on stories on childhood of Imam Hussein (AS), the third Shiite Imam.

In other words, stories of the life of the Muslim saints are told with a language of children for the first time in the festival.

Mohammad Baqer Qahremani, Member of High Selection Council

Innovative, Text-Oriented, Modern & Dynamic

Fajr International Theater Festival is among the festivals wherein academic and non-academic theater artists get together.

However, the number of university educated artists in the festival is on the rise in recent years. The rising number affects all theater fields including acting, direction, writing, designing and even music.

If we want to chase the trace of innovative and new plays, some text-oriented, modern and dynamic works should be listed. I couldn't find examples of such works in the world theater.

There are foreign plays blended with Persian culture, customs and rituals to create characters for Iranian audience.

No criteria was set to choose works in the High Selection Council but the common understanding among members of the council to pick plays with higher artistic quality.

Therefore, we tried to choose them by comparing them with top works. Unwritten criteria considered by my colleagues in the council included what the creativity of the director and crew are; how performers interpreted the text and their abilities.



Qasem Moradi, director of Online Ticket Sale

A Dream Comes True



The idea of online sale dates back to two years ago.

Internet has turned a part of our life, giving theater audience a chance to purchase tickets from everywhere easily.

We needed such a facility in a city like Tehran which had bad reputation for its traffic.

The result of talks over online ticket sale was launch of Giske website of City Theater Complex.

The traditional ticket sale of City Theater Complex was later mechanized. The measure was welcomed by audience, making us to go ahead with Sangelaj and Honar halls.

The online ticket sale's website was officially inaugurated on July 22. The

capacity was limited in the beginning but it was increased as people shown interest in online purchase.

The successful measure encouraged the secretary of the festival and director of Dramatic Art Department to call for launch of online ticket sale for the festival for the first time.

The tickets were for the first time sold even to regional audience for the first time.

That facilitated watching of plays for regional artists, thespians and audience who were willing to watch works but couldn't come to Tehran for purchase.

The website has 6500 members up to now. It has given Iranians a chance to

purchase ticket without need to physical move.

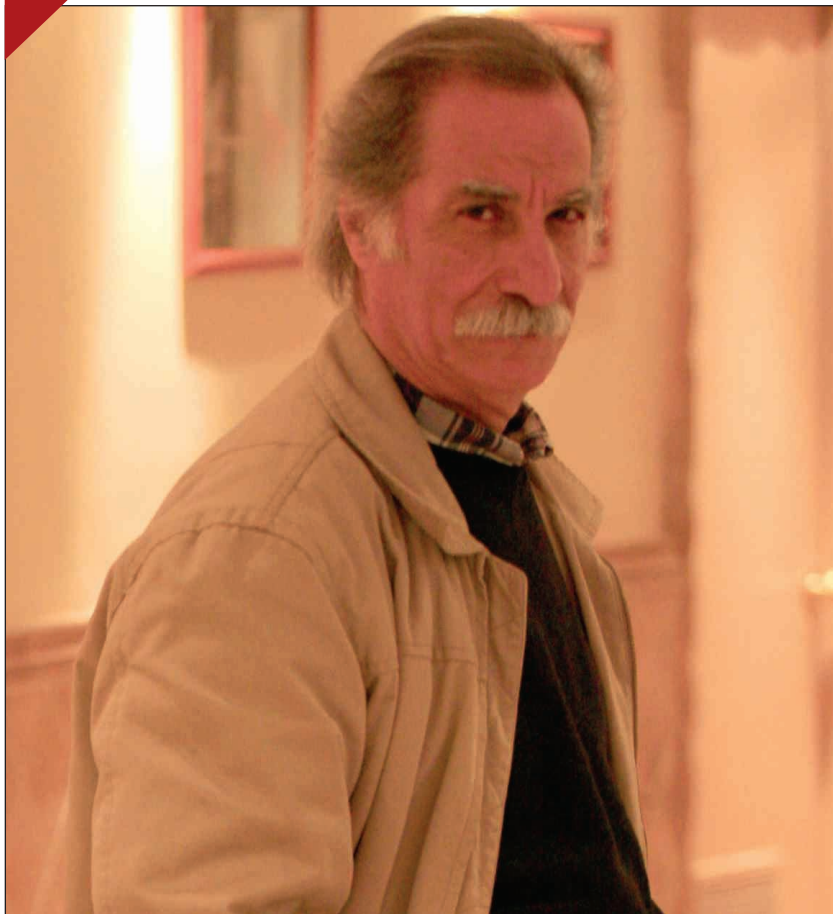
We have subscribers from across the country such as Shabestar in Azerbaijan, Lar in Fars, Rafsanjan in Kerman and Zahedan in Sistan-Baluchestan provinces. Many surf our website from abroad. The website had surfers from Australia, China, India, Malaysia, the United Arab Emirates, Egypt, Germany, the United States and France.

This is a good incident. Our important task is to encourage people to buy ticket online and stay away of standing in lone line in the hot and cold seasons.

I hope to provide audience with more services in the future.

“Siavash Mourning” by Siavash Tahmores

A Cup of Tea in “Siavash Mourning”



One of main theatrical concerns of Siavash Tahmores is ancient Persian myths.

He has performed naqalis (story telling) of Shahnameh (letter of kings) by great Persian poet Ferdowsi several times in radio. He knows overt and covert aspects of these epic poems. “Hanging of Hallaj,” “Killing the Lover,” “And Now Yahya,” and “Sivash Mourning” are among Tahmores’ credits.

“Sivash Mourning” is a parallel odyssey in the past and present with mythological and contemporary characters.

Tahmores tries to display conflict between characters in his play. “Siavash Mourning” was performed 21 years ago, but I feel my thirst has not quashed yet,” he explained. “Such traditional plays which are directly linked to mythological and ancient heritage and traditions deserve to be staged numerously.”

On changes in the text, Tahmores said that they were not fundamental. The content was the same and changes were made in the way of performance.

“I added characters to the play to make the behavior of characters closer to today’s people,” Tahmores said.

“I think the people of society are like those of two decades ago when the play was first performed,” the director said, believing that few people in the society have changed and obtained new experiences.

“Therefore, I don’t see significant mind development in today’s people and it’s a pity,” Tahmores regretted.

On new character added to the story, Tahmores explained that he is a cosmopolitan person who examples could be seen in any age.

Roger Macon’s Marketing Workshop

How to Know Customer

according to schedules another workshop was held in Vahdat hall.

Roger Macon taught at the workshop with the cooperation of Gavin Kayer Stride.

The workshop was warmly welcomed by Iranian theater groups. Macon accounted his memories and views from his numerous visits to Iran. He forged friendly relations with the participants. On his first experience of theater market in Iran, Macon said that Iranian s invited him to their pavilions although he was tired.

According to him, a person cleverly invited him to drink a cup of coffee, making the British artist to watch plays of his group.

The group attracted his

attention, Macon said, adding that a difference between theater market and Tehran bazaar is that people should consider him as a customer in the former. He went on with specialized discussions.

The most important thing is to recognize the customer, Macon said, stressing that their job as persons in charge of theater marketing was to sell.

“If we think there is a better mobile handset in the market better than the one we bought, we will bad and start with blaming the dealer.”

Macon gave the example to stress the need for rendering more information to a theater customer.

“The need of a customer to have more information



is a rule.”

The British artist elaborated on the stages of his shopping in Iran theater market.

On questions occur when he wanted to buy a work, he listed them as what group it is and

whether he should trust them.

Macon added that he could explain his needs only after he would find proper answers for his questions.

Speaking louder to participants, Macon said

that customer is the most important thing not your group.

He listed four rules of marketing as product, price, and place of marketing and methods of promotion of commodity.

When Colours Become Alive

The play "Colours" is a work by Armenian artist TSOLAK MLKE-GALSTYAN which is going to be staged in 28th Fadjr International Theatre Festival.

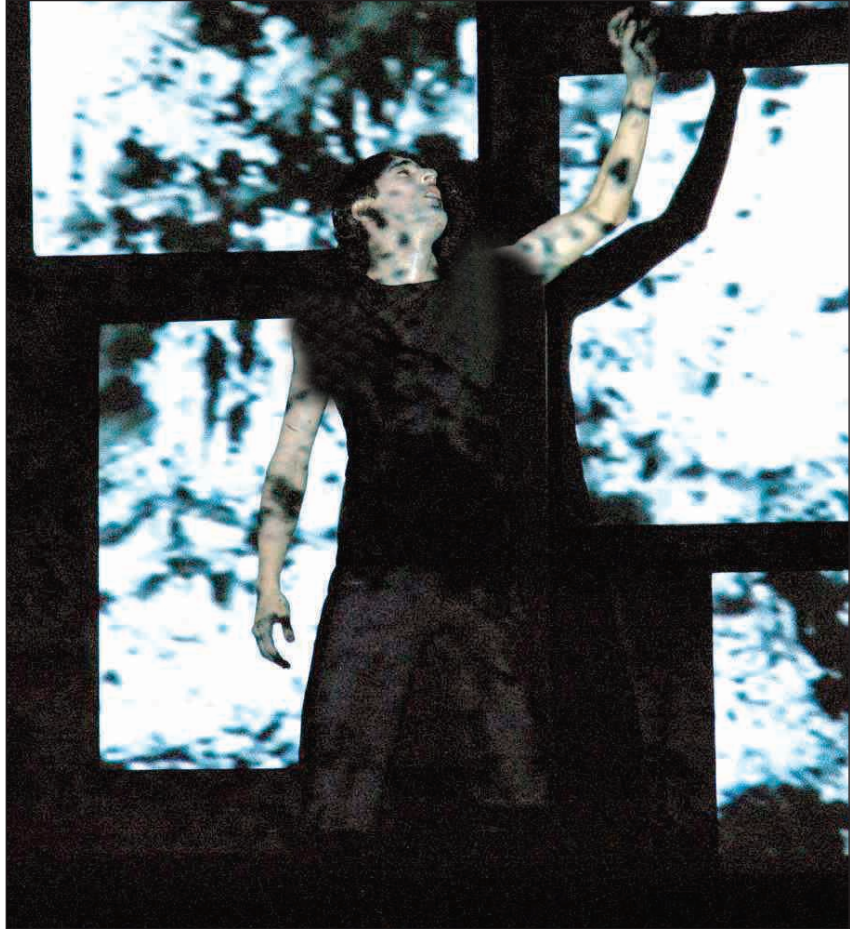
The Armenian theatre has a treasure chest of dramatic literature and offers gems for those who wish to explore its contents. Although invading hordes have destroyed early theatrical records, the theatre continues to thrive. In spite of horrendous odds, historically and geographically, Armenian drama has experienced a renaissance, which continues to progress in Armenia and the diaspora with presentations of original Armenian plays and translations. Whether drawn from the romantic past or from contemporary social issues, Armenian drama offers a universe of thematic motifs and opportunities for bold theatrical staging, as well as scholarly research for those who dare to traverse that path; For it has its roots in the theatre of antiquity, during the formation of the Armenian nation 3500 years ago.

The play "Colours" which is produced by MIHR Theatre group is an action painting performance.

In this play there are four colours, four characters, four different emotions. An individual is in the colour and in his feelings. The colours are alive, they have a soul, a body and they speak on their own language.

TSOLAK MLKE-GALSTYAN the Armenian director of "The Colours" is art manager, director and choreographer who studied Theatre Management Programme by the Cambridge Yerevan Sister City Association, drawing in faculty of Yerevan State Academy of Fine Arts.

He also attended Interactive Theatre Courses led by British Council / Armenia, Latin-American dance.



"The Death Garden" by Siamak Ehsaei

New Adaptation of Macbeth



Siamak Ehsaei is not only a director but also a noted set designer. His two previous works "The Reality Is that Sun Turns Around US" and "Terminal" received contradictory reactions.

"The Death Garden" was different from the previous works, according to Siamak Ehsaei.

"The Death Garden", written by Atila Pesiani, tells the story of a man who launches a theater hall with his inherits to stage Macbeth.

"I staged the play to present a new experience. That was a work I didn't do in the past," Ehsaei said, adding that the play is new compared to his previous works.

He benefited from framework of story telling in the work.

"Of course, the time is shuffled in the story and we reached a common point

with the change in time."

He explained that the appearance of the performer changes with the change in time but this doesn't include change in dialogue and atmosphere of the performance.

On why he chose Macbeth, Ehsaei said that the play is set in a theater hall and Macbeth is just a choice because what happens in Macbeth is related to main incident of the play.

"The incident occurs in the play is merged with the event happens in Macbeth," he said, adding the Macbeth was chosen because of circumstances happening in the play. If the story developed differently, it was possible to change Macbeth for Hamlet.

"Macbeth was the most beautiful choice for my story," he concluded.

Closing Ceremony of Tops of Iran Half-Way Ending

The closing ceremony for the best of Iran plays was held with deputy culture minister, Mohammad-Hossein Imani-Khoshkhou, Hamid Shahabadi, deputy to the deputy culture minister, Hossein Parsaei, secretary of the festival, directors of national radio and television channels as well as a host of artists.

The ceremony, held last night in Iranshahr Theater Hall, opened with recitation of holy Koran and national anthem.

Top works in poster, photo, radio and television as well as street sections received awards.

A ceremony to honor Fattaneh Dadkhah, Iran's veteran theater photographer, was the first stage.

Top Photo Awards

- Top photo award went to Hassan Taheri for "Fox Hunting"
- Second photo award to Mani Lotfizadeh for "Sky of Snowy Days"
- Third Photo award to Saghar Barakat for "Poor Macbeth"



Best Radio Plays

Top effect award was jointly received by Mohammad-Reza Qobadifar for "Step and Happening Day" and "The Curious Case of Benjamin Button."

Top sound edit award went to "Step and Sleep of the Slept," and Ali Hajinorouzi for "Happening Days."

Top adaptation award went to Ayoub Aqakhani for "Phone Booth."

Top edito-in-chief award to Neda Hengami for "Step" and "Happening Day" Top actor: Mostafa Abollahi for "Step"

Top actress: Shahin Najafzadeh for "Happening Day"

Top producer: Mohamoud Ahmadi for "Happening Day"

Top dramatist: Mahmoud Ostadmohammad for "Tehran"

Top director: Ali Omrani for "Step" and "Happening Day"

The top work award was received by Mohammad Mohajer on behalf of the group of "Step".

The festival honored late Mahmoud Zendeenam for his efforts in supporting radio plays.

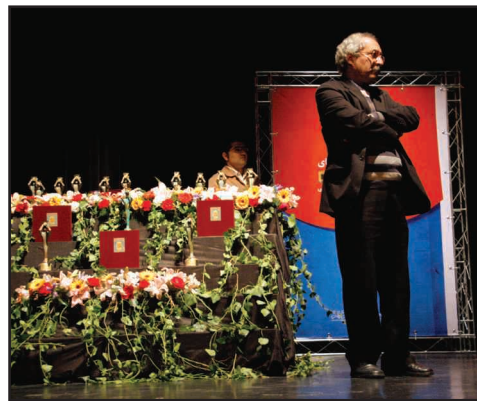
Honors & Top Poster Awards

The jury honored Homayoun Ghanizadeh, Sepehr Danesh-Eshraqi and Yahya Pakdel.

Top poster award went to Morteza Atabaki for "Horn," "Brother Killing Majles" and "China Wall".

Reza Babajani collected second-top award for "A Man With A Flower in Mouth."

The third poster award was picked by Ashkan Qazanchi for "The 3rd Festival of Play-Reciting in Niavaran."



Top Outdoor Plays

Top music award went to "Water Tragedy" from Marand.

The jury honored Hamid-Reza Nouri for "Komeil Channel."

Top stage designer award was given to Mehdi Habibi for "Confessions of a Tenant."

Pouria Karimi as well as Saman Khalili and Ahmad Samimi were honored for "We All Know" and "What Do You Say" respectively.

Narges Khakkar collected top actress award for "Confessions of a Tenant." Best actor award went to Behnam Sharafi for "Confessions of a Tenant." Mohammad Mousavi and Abouzar Chehelamirani received honorary diploma and 4-million-rial cash prize for "Ghani."

The idea and plan award went to Narges Khakkar for "Confessions of a Tenant."

Top "Idea and Plan" award went to Jamshid Asgari for "Ghani" and Hamid-Reza Nouri for "Komeil Channel."

Mehdi Salehyar was honored in the section on behalf of "Water Tragedy."

Narges Khakkar was named top director for "Confessions of a Tenant." Jamshid Asgari from Tehran and Saman Khalilian were honored for "Ghani" and "What Do You Say" respectively.



Top TV Plays

Top stage designer was named Manouchehr Shoja for "Travel to Gomek."

Farhad Ayeesh named top actor for "Art" and "Family of Tet."

The top actress award went to Roya Mirelmi for "My Kids, My Africa." Ali Nasirian and Farhad Nazerzadeh-Kermani were honored in writing section.

Alireza Naderi was named top playwright for "Four Stories of Several Rahman."

The jury honored Massoud Foroutan for direction. Top director award went to Bijan Samsami for "Rojanou," "Silence," "Concerns of Fence."

Mehrdad Rayani-Makhsous was named top art director for "Silence."

THEATER

29 January 2010

The 28th Fajr International Theater Festival

